

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه فقه اسلامی:

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله وبعد :

جای شکر خداوند است که سال 2006 میلادی را به نشر تحقیق بسیار مفید از  
محقق دانشمند و گرامی کشور ما افغانستان جناب دکتور محمد ناصر عمر  
کشاورز افتتاح میکنیم.

چون استاد محترم دکتور عبدالستار سیرت در مورد این تحقیق جملات  
حکیمانه و عالمانه تحریر نموده اند لذا ما به آن اکتفاء نموده فقط به هموطنان  
گرامی خاطر نشان می سازیم که جناب دکتور کشاورز نه تنها در تحقیق  
موضوع اعجاز علمی قرآن کریم زحمت فروان کشیدند بلکه مصارف نشر و  
توزیع آنرا نیز به نیت صدقه جاریه و رضای خداوند (ج) متحمل شده اند، لذا  
این تحقیق برای فروش نیست و امید است که هموطنان عزیز برای جناب  
دکتور صاحب کشاورز و خانواده شان دعای خیر نمایند.

فقه اسلامی بهترین تحييات و تمنیات خود را بخدمت جناب کشاورز صاحب  
تقدیم داشته برای جناب شان تبریک عرض میدارد و خداوند سبحانه و تعالی  
برای جناب شان و خانواده شان اجر عظیم نصیب کند آمين.

فضل غنی مجددی

اپریل 2006 میلادی، فریمونت، شمال کلیفرونیا، امریکا.

بسم الله الرحمن الرحيم

دكتور عبدالستار سيرت

### حرف عاجز در برابر اعجاز

معجزه امر خارق ناموس طبیعت و قانون خلقت است و سه مطلب اساسی را ثابت می سازد :

1 - قدرت مطلق و کامل خداوند آفریدگار و پروردگار جهان ها و دستور (کن فیکون) .

2 - صدق رسالت پیامبران خداوند و حمایه و تأیید الهی از حقانیت رسالت پیامبران علیهم السلام .

3- بطلان دعاوی انکار، افتضاح و شکست دشمنان رسالات سماوی .

معجزات پیامبران قبل از خاتم انبیاء با رسالت شان فرق داشت . عصای موسی (علیه السلام ) طلس ساحران دربار فرعون را در هم شکست و ساحران به سجده عجز سرنها دند ، معجزه موسی در عصا اما رسالت شان در تورات بود .

معجزه عیسی (علیه السلام ) در شفای امراض و احیاء مردگان ، طب پیشرفته و رائج عصر خود را عاجز ساخت ولی رسالت شان در انجیل کتاب آسمانی که بر عیسی علیه السلام نازل شده بود ، بر علاوه این معجزات حاوی تحدی ( دعوت به مبارزه Challenge ) که صدق رسالت پیامبران و بطلان شک و انکار منکرین شان را اثبات مینمود ، واقعه ولادت حضرت عیسی علیه السلام و شق بحر و ایجاد جاده عبور سالم برای موسی علیه السلام و قوم شان نمایانگر قدرت کامل و معجز خداوند آفریدگار مقتدر و متعال است .

مثال های اعجاز در حیات پیامبران گذشته بعد از وقوع در همان زمان خاتمه یافته و در عصور ما بعد تکرار نشده اند ، مردم زمان معجزه آنرا مشاهده نموده و به آن معتقد شده بودند و نسل های ما بعد خبر آنرا خوانده و شنیده اند و آنرا تصدیق می نمایند و یا بعض از نظر شک می بینند ، با فهم اینکه ماهیت

آن معجزات با گذشت زمان فرق نمی کند و نمیتوان گفت که پیشرفت علم و تحول جوامع بشری مفهوم معجزات گذشته را تغییر داده است ، بل معجزه ، همان معجزه است ، و آنچه که در مورد ابراهیم (علیه السلام ) از تحويل کوه آتش سوزان به آرامگاه سرد و راحت و یا آنچه که بدست موسی و عیسی علیهم السلام واقع شده است به عین کیفیت و بدون وسائل خاص دیگر قابل تکرار نمی باشد .

معجزه خاتم انبیاء و امام پیامبران حضرت محمد صلی الله عليه وسلم ، با معجزات گذشته فرق دارد ، در حالیکه معجزه اسراء و معراج دلیل قدرت مطلق و کامل خداوند و تقدیر بی نظیر مقام حضرت محمد صلی الله عليه وسلم از جانب پروردگارشان بود ، معجزه جاودان و زنده و ثابت حضرت محمد صلی الله عليه سلم ، همانا قرآن کریم ، کتاب آسمانی حاوی رسالت خاتم پیامبران و خاتم و جامع رسالات سماوی است .

اعجاز قرآن کریم ابعاد و وجوده متعدد دارد ، مطالعه و تحقیق در هر ساحه از اعجاز قرآن کریم محقق و باحث در مباحث اعجاز را از رسیدن به اسرار آن عاجز می سازد و در پایان بحث و تحقیق یگانه حرف عاجز در برابر اعجاز همین است که بگویید : این کلام بر حق خداوند است و من به آن ایمان دارم .

ترکیب بیانی قرآن کریم از همان حروف و کلمات و عباراتی صورت گرفته است که در زبان عربی قبل از نزول قرآن و در خلال نزول و بعد از آن نیز مورد استعمال قرار داشت و عرب به آن آشنا بودند ولی هنگامیکه آن حروف و مفردات را در سیاق بیانی قرآن میدیدند احساس عجز می نمودند و باری آیات موجز و معجز کوتاه ترین سوره قرآن (سوره کوثر ) را در قطار قصائد معروف شعرای عرب در دیوار کعبه مشرفه دیدند ، شاعر و سخنور بزرگ عرب در ذیل سوره کوثر به وزن (إن شائئك هو الابت ) عاجزانه نوشت : (ما هذا قول البشر - این قول بشر نیست ) .

یک حرف به تنها بی مفهومی را افاده نمی کند اما همینکه یک حرف مثلا حرف (ق) نام یک سوره و آغاز سوره (ق) و متصل آن خداوند به (و القرآن المجید) به قرآن مجید سوگند یاد می فرماید اینجا است که (ق) معجز می شود و سرآنرا غیر از خداوند کسی نمیداند.

هر گاه در برابر چنین حرفی از قرآن احساس عجز نمائیم و جوه اعجاز بیانی، اعجاز معنوی، اعجاز تشریعی، اعجاز نفسی و روانی و اعجاز علمی قرآن کریم تا چه حد اعجازها بر اعجازها و در اعجازها را در برو خواهد داشت، و مخلوق (انس و جن و ملک) عاجز جز تسلیم و ایمان به قرآن و تصدیق رسالت حامل آن برهان دگری نمیتواند داشته باشد.

مطالعه برعی از جوانب علمی اعجاز قرآن کریم در اثر علمی مفیدی توسط جناب دکتور محمد ناصر عمر کشاورز صورت گرفته است، نویسنده این اثر قبل از طبع آن به من افتخار تدقیق و اظهار نظر درباره این اثر را دادند و منهن با علاقه و تقدير از مطالعه و مراجعه آن محظوظ شدم و نقاط نظر چند و متواضع به توجه مؤلف محترم تقدیم نمودم و این حرف عاجزانه نیز به خواهش ایشان تقدیم این اثر و خوانندگان عزیز آن میگردد.

ترتیب و تدوین چنین مطالعه با ارزش در اعجاز علمی قرآن کریم توسط جناب داکتر کشاورز درین مرحله عمر و با حالت صحی که دارند واقعاً قابل قدر و احترام است و با تمام سوابق خدمات شان مخصوصاً در ساحه زراعت کشور این کار علمی نیز غرس مبارکی است که بدست کشاورزی با عقیده و اخلاق در بوستان ثقافت اسلامی نمو می کند و علاقمندان و دانشمندان این ساحه در نشو و نمای بیشتر آن سهم شانرا ایفا خواهند کرد.

و من اللہ التوفیق

عبدالستار سیرت

فبروری 2006

## بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار:

الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهدى لو لأن هدانا الله . ( حمد و ثنا مر خدائى را که ما را هدایت نمود و اگر ذات کبیرائی او رهنمائی نمی نمود ما هر گز راه را نمی یافتیم ) ( اعراف : 43 ) و الصلاه و السلام على رسوله النبي الكريم و درود بر فرستاده برگزیده او حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که ما را به دین اسلام دعوت کرد و قرآن عظیم الشأن را به ما تعلیم داد .

انسان فطرتا طوری آفریده شده که در سرشت خود بی گناه ، پاکیزه راست ، آزاد متمایل به حق و فضیلت و در عین حال به موقف خود در جهان آفرینش آگاه و به حکمت و قدرت خداوند مستشعر است ، این است فطرت و طبیعت اصلی او ، چنانچه ابن کثیر در تفسیر سوره الروم : 30 قرآن مجید از احادیث متعدد نبوی روایت میکند که خداوند همه انسانها را مسلمان خلق میکند . بعده والدین شان آنها را یهودی ، نصرانی یا آتش پرست بار می آورند . مراد از کلمه مسلمان درین مورد عبارت است از تسليم بلا شرط به وحدانیت و اراده خداوند یکتا یعنی الله . اما انسان گرفتار رواج ها ، خرافات و آرزو های خود خواهانه و اغوا گرانه میشود که اکثرا او را از راه راست منحرف می سازد که تصحیح آن از و ظایف علماء و رهبران دین است تا با استفاده از علم شان این انحرافات را علاج کنند .

در ظرف بیست و پنج سال اخیر که وطن عزیز ما افغانستان دچار انقلابات و حوادث خانمانسوز گردیده عده زیادی از مردم ما به کشورهای خارجی پناه گزین گردیدند ، جوانان ما به مسایل جدید منجمله یهودیت و مسیحیت رو برو شدند که به لحاظ نداشتن اندوخته های علمی دینی ، اعتقادات شان محتملا به مخاطره مواجه است و بعضًا بی خبراند از اینکه دین خود شان ، یعنی اسلام مکملترین ، علمی ترین ، و جامع ترین ادیان است که اساسات و واقعیت های اصیل و دست نخورده یهودیت و نصرانیت را نیز در بر دارد .

علمای ساینس که کشفیات و اختراعات روز افزون شان سریعا در پیشرفت است، از بایبل و انجیل فاصله میگیرند زیرا این دو کتاب به شکلی که امروز در دسترس است ذریعه دست بشر تحریف گردیده، محتویات آنها با واقعیت های علمی سرنمی خورد. بر عکس قرآن عظیم الشأن که کلام الهی و دست نخورده است با حقایق تثبیت شده علمی مطابقت دارد. بناءاً وظیفه خود دانستم آنچه از موضوعات مربوط به ساینس را که قرآن مجید به آن اشاراتی دارد تا جائیکه من افتخار مطالعه و درک آنرا داشتم بدسترس علاقمندان قرار دهم تا باشد که درین راه خدمتی به هموطنان تقدیم داشته اجر آنرا از بارگاه الهی حاصل نمایم و اگر مرتكب سهوی شده باشم از بارگاه ایزد بخشاینده و مهربان طلب مغفرت میکنم. همچنان بروح پدر و مادرم دعای مغفرت و رحمت فرستاده از همسرم جمیله که درین راه مشوق من بوده و نیز دوستانیکه در ترتیب و نشر این اثر مرا یاری نموده اند اظهار قدردانی میکنم مخصوصا از پروفیسر دکتور عبدالستار سیرت، جناب فضل غنی مجددی، داکتر محمد فرید یونس، عبدالعلی نور احراری، استاد عبدالرشید بینش، داکتر صدرالدین شهابزاده، جناب ضیاء الحق واله و عبدالله مینه یار. قابل یاد آوری است که قبل از اینکه به مطالعه این تحقیق آغاز کنید به نکات ذیل توجه فرموده ممنون سازید:

- 1- جهت رفع مشکلات تایپ آیات قرآنی و اعراب آن که خواننده گرامی را در خواندن کلام الله کمک میکند به ترجمه آیات مبارکه اکتفاء شده و ترجمه آیات قرآن کریم درین قوسین تحریر گردیده است.
- 2- آیات قرآنی با تحریر اسم سوره و نمبر آیه مطابق المعجم المفہرس بطور مثال ( فاتحه: 3 ) یعنی آیه نمبر سوم سوره فاتحه ترتیب گردیده است.
- 3- نمرات بین قوسین در متن کتاب عبارت از مآخذ و مرجع همان پراگراف یا موضوع می باشد که از آن در تحقیق استفاده شده است که البته بصورت

متواتر نمی باشد و خوانندگان گرامی مراجعی را که خواسته باشند می توانند به آخر تحقیق ملاحظه فرمایند.

#### مقدمه:

اعجاز در لغت به معنی عاجز ساختن است و در اصطلاح دینی انجام کاری بوسیله انبیاء علیهم السلام برای تصدیق نبوت شان است. معجزات پیغمبران سابق محدود به وقت و زمان زندگی شان بود پس از وفات شان دیگر آن معجزات صورت گرفته نمیتواند، معجزه بزرگ حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم قرآن مجید است که پایینده و باقی و ابدی می باشد.

قرآن، کتابی است جاودانه و دارای ابعاد گونا گون و بطون مختلف، که در هر زمان اندیشه پیشرفتی بشری به بطنی از آن پی میبرد و محققان مختلف در هر رشته از معارف انسانی میتوانند بعدی از آن را کشف کنند و پژوهش در آن تنها در انحصار عرفا، فقهها و فلاسفه و متخصصان علوم قدیم و الهیات نیست. اینکه امروز حتی دانشمندان رشته های علوم دقیقه، چون طبیعتیات، ریاضیات و نیز متخصصان علوم جدید انسانی چون روانشناسی، جامعه شناسی، فلسفه و تاریخ از آن نکته های علمی دقیق و جدید استنباط میکنند، این خود نشانه آنست که این معجزه کلام، دارای ظرفیت های مختلف و متنوعی است که در تصور اندیشه های یک طبقه و یک تیپ و پروژه یک فرهنگ و یک زمان نمیگنجد.

در قرآن ارتباط پدیده های مادی و حقایق معنوی به حدی است که تحقیق در کیفیت آغاز خلقت را نه تنها از طریق دلایل ذهنی و تفکرات مجرد فلسفی کشف و شهود عرفانی و مباحث الهیات، بلکه از طریق پژوهش های علمی و مشاهده عینی و بررسی های مادی و طبیعی نیز دستور می دهد.

حضرت خداوند سبحانه و تعالی مسلمانان را امر میکند : ( بگو ای پیغمبر سیر کنید در زمین و بنگرید چگونه خدا آفرینش را آغاز کرد ، باز بار دیگر خداوند هستی آخرت را بوجود می آورد حقا که خداوند بر هر چیز توانا است . (عنکبوت : 20).

قرآن یک منظومه کامل آفرینش است ، چنین مینماید که خداوند دو گونه جهان ساخته است : با عناصر طبیعت را و با کلمات قرآن را . علوم طبیعی و ریاضی که در ارتباط میان پدیده های طبیعی و عناصر ، نظمی دقیق و روابط حساب شده و علمی و خارق العاده کشف کرده اند که با منحنی های ریاضی و فورمول های علمی بیان میشود ، این حقیقت را ثابت میکند که در طبیعت شعوری بزرگ و اراده خود آگاه و هدفمند به کار رفته و بنابرین ، ساخته تصادفات و یا نیروهای ناآگاه نمی تواند باشد .

قرآن بیش از هر چیزیک کتاب است یک «پیام» و فلسفه وجودی اش، ایجاد آگاهی ، حرکت ، نجات مردم و استقرار عدالت و آموزش معنوی و رهبری اجتماعی و تکامل نوعی انسان و در عین حال یک ساخت اعجاز آمیز است و ساختمنی چون جهان طبیعت دارد .

قرآن طبیعتی است ساخته شده از عناصر ، تصادفی نیست که قرآن خود پدیده های طبیعت را « آیه » می خواند ، آنچنانکه حقایق قرآن را و این است که اسرار جهان را و نشانه های قدرت خدا را در کتاب طبیعت ، همچنانکه با بررسی های عینی و آماری و با وسایل پیشرفتی فنی میتوان دریافت ، در کشف اسرار جهان کلمات و شناخت این « طبیعت کتاب » نیز میتوان از

پیشرفت‌هه ترین موفقیت‌های علمی انسان و دقیق ترین و قوی ترین و سایل جدید تحقیق استمداد جست. (۱)

قرآن کتابی است بی‌مانند که هیچ کتابی را در هیچ زمان و مکانی نمی‌توان در حد آن و یا نزدیک به آن و قابل مقایسه با آن یافت. کیفیت نزولش معجزه است، مردیکه نوشتن و خواندن را یاد نداشت گاهی فرشته را بصورت شخصی در برآبرش می‌دید که به او وحی می‌آورد، گاهی زیر فشار وحی بدنش سنگین می‌شده و عرق از سراپایش جاری می‌شد آنگاه آیات قرآن را بر مردم می‌خواند و مسلمانان از بر کرده می‌نوشتند، دقت در تثبیت و ضبطش خارق العاده و محفوظ ماندنش در ظرف ۱۴ قرن نیز معجزه است.

اعجاز قرآن اشکال مختلفی دارد مثلاً در ابتدا در بین مردم مکه بیشتر اعجاز بیان و بلاغت آن محسوس بوده چنانچه الفاظ و کلمات قرآن در ضمن آنکه عبارات عالیه، پرمغزا و سراپا حکمت را بکار برد آهنگ‌های گونا گون را نیز بوجود آورده که هر کس از هر قوم و دارای هر زبانی که باشد موسیقی بداند یا نداند از شنیدن قرآن لذت می‌برد. از پیغمبر اسلام روایت کرده‌اند که: قرآن را با آواز خوش بخوانید. البته اعجاز بیان و بلاغت قرآن را کسانی بهتر احساس می‌کنند که بلسان عربی صحبت می‌کنند. قرآن الفاظ و کلمات را طوری گلچین و انتخاب می‌کند که اگر لفظی را بردارید دیگر در تمام لغت عرب لفظ دیگری را نخواهید یافت که همان مزايا را داشته باشد و زیبائی لفظ و کمال معنای آن محفوظ بماند.

بقول علامه مصری رافعی یک حرف از قرآن در جایگاهش معجزه است. زیرا آن حرف کلمه‌ای را که در آن واقع شده نگه میدارد و آن کلمه آیه را و آن آیه آیات بسیار و همین است راز اعجاز جاودانی قرآن. (۲).

نظم این کتاب آسمانی طوری است که مطالب متنوع را از وعظ و نصحت، برهان و استدلال، اصول عقاید، معارف الهی، فروع احکام، تواریخ و قصص، حقوق و سیاست، نظام‌ها، قوانین مدنی و جزائی، اخلاق و آداب و صد ها

مسایل علمی عصر جدید را که خواننده خسته و ملول نمیشود دربردارد و در طول قرآن هیچگونه اختلافی دیده نمیشود هر کس در هر شرته‌ای که تخصص داشته باشد و به قرآن بنگرد از همان رشته اعتراف به اعجاز قرآن میکند.

در طول 14 قرن که از نزول قرآن میگذرد برای سیر علم مراحل مختلفی بوده است که در هر عصر علمی مورد توجه بوده و این لفظ معنی و مفهومی داشته است.

زمانی بازار صرف و نحو و علوم ادب گرم بود و هر گاه علم گفته میشد همین دانش‌های ادبی از آن فهمیده میشد. در زمان و مکانی دیگر حدیث و تفسیر افکار را جلب کرده و لفظ علم بر آنها اطلاق میگردید. در عصری مباحث فلسفی و کلامی مردم را مشغول ساخته بود، وقتی عرفان و تصوف و دوره‌ای فقه و اصول مورد توجه بود تا قرون اخیر که علوم طبیعی (به معنی عام کلمه) رواج پیدا کرد. از عجایب قرآن اینست که در جمیع ادوار، عموم دانشمندان اسلامی در همه رشته‌های علمی به این کتاب الهی استناد نموده آنرا ماوراء الطبیعه دانسته اند، بلکه قرآن خود منشاء پیدایش دانش‌های گوناگون دینی و دنیابی و منبع علم ادیان و علم ابدان است چنانچه خداوند در آیه (۱۵۱) سوره بقره می‌فرماید:

(آنچه نمی‌دانستید به شما می‌آموزد). با آنکه مفسران قرآن در هر زمان غالباً دانشمندان متبحر عصر خود بوده اند با اینحال چون علوم متداول همان عصر را معتبر و مسلم می‌پنداشتند، در تفسیر آیات به همان دانش‌ها استناد می‌کرده اند، ولی پس از مدت‌ها آن علوم از اعتبار افتاده علوم جدید جای آنها را گرفته است. وقتی درین عصر به آیات کریمه، با میزان و معیار این دانش‌های نوین می‌نگریم صدق و حقانیت قرآن، وا شتباه مفسران سابق و بطلان بعضی گفته‌های شان واضح میگردد. (۲).

هر کس از قرآن به اندازه استعداد و مطابق فهم خویش می‌اندوزد هر قدریکه استعدادش نمو می‌کند قدرت ادارک او نیز متناسب با آن بیشتر می‌شود.

قرآن بحیث یک کل، کتابی است برای همه اوقات و همه ادوار. از اینرو باید بالضور دارای چنان حقایقی باشد، که بتدریج بمردم واضح و آشکارا شود (۴). چنانچه قرآن در آیات ۸۷ و ۸۸ سوره «ص» می فرماید: ( نیست این قرآن مگر پندی برای همه جهانیان و بیگمان شما به حقیقت آن بعد از مدتی پی میبرید ) . مسلمانان بصورت قاطع به این نظر اند که قرآن معجزه اسلام است.

علمای بزرگ از قبیل رمانی ( متوفی ۹۹۴ ) ، الخطابی ، متوفی ۹۴۸ ، باقلانی متوفی ۱۰۱۳ ، جرجانی متوفی ۱۰۷۸ ، مصطفی صادق رافعی که کتاب اعجاز القرآن و البلاغه النبویه را در ۱۹۳۷ نوشت و غیره در مورد اعجاز قرآن کتاب های نوشته اند.

بالآخره محمد کامل حسین « ۱۹۷۷ - ۱۹۰۱ » داکتر طب و رئیس یونیورستی هلیوپولیس - مصر - بدون توجه به اعجاز ادبی که به گفته او برای مردم غیر عرب آنقدر قابل ادراک نیست، اعجاز معنوی و روحانی قرآن کریم را به مرتبه بالاتر قرار میدهد که برای هدایت روح انسان منبع غیر قابل مقایسه است.

بعضی از علماء مانند امین الخولي ، محمد کامل حسین ، ابن حزم ، جوینی و مخصوصاً مرحوم محمود شلتوت رئیس سابق جامعه الازهر مفسرین را برحدار می سازند از اینکه بدون تعمق هر آیه قرآن را به یک موضوع ساینس ارتباط ندهند زیرا قرآن کتاب کلاسیک Classic ساینس نیست و از طرف دیگر نظریات و فرضیه های علمی همیشه در تغییر و تحول بوده اگر امروز قابل قبول باشد لیکن شاید بعداً با فرضیه های جدیدی تعویض شوند در حالیکه آیات قرآنی ثابت و غیر قابل تغییر اند.

محمد الغزالی ( ۱۹۸۶ ) رئیس شورای علمی یونیورستی اسلامی کونستانتین نیز به همین نظر است.

اما دلایل طرفداران اعجاز علمی یکی هم این است که قرآن رسالت جهانی و منبع خدائی دارد . از جانب دیگر نظریه های علمی که بمرور زمان قابل تغییر

اند و اموریکه مورد ملاحظه و دقت واقع شده و بطور تجربی در معرض تحقیق قرار گرفته و قابل تغییر و تبدیل نیست باید از هم تفکیک شوند . مثلا این امر که زمین بدور آفتاب و ماه بدور زمین می گردند ثابت شده است و در مقام تجدید نظر قرار ندارند و تنها مطلبی که در آینده شاید برین آگهی افزوده شود تعریف و تحدید بهتر مدارهای آنهاست.

در قرن بیستم حرکت احیا و تجدید دین توسط سه نفرهایک سید جمال الدین افغانی ( 1897 ) محمد عبده ( 1905 ) و رشید رضا ( 1936 ) بوجود آمد که یک تکیه کلام مشترکی داشت بنام « اسلام دین دلیل و علم » & Reason است . طنطاوی جوهري ( 1862 - 1940 ) در مورد ارتباط قرآن و ساینس بعد غلو پیشرفته زیرا خودش ساینس دان نبود . الغزالی ( 1058 - 1111 ) در کتاب احیاء علوم الدين از مفکوره ساینس در قرآن کریم خیلی طرفداری کرده می نویسد : علوم همه منبع خدائی دارند لهذا انتها ندارند و در قرآن بصورت اجمال به آنها اشاره شده است .

ابن رشد ( 1198 - 1126 ) در حالیکه خود را از نگاه آیدیالوژی در قطب مخالف الغزالی قرار میدهد در کتاب ( فصل المقال ) خود حکمت ، فلسفه و دین را آشتی میدهد باین معنی که بر علاوه عدم اختلاف بین شان مطابقت موجود است .

السیوطی ( 1505 - 1445 ) که مهمترین متخصص عصر خویش در علوم قرآن شمرده میشود می نویسد که هیچ سند ساینس وجود ندارد مگر که در قرآن کریم از آن بحث یا اشاره ای نشده باشد .

حق سبحانه و تعالی در آیه 38 سوره انعام می فرماید : ( ما در کتاب یعنی قرآن هیچ چیزی را فرو گذاشت نکرده ایم ) . همچنین در آیه 89 سوره نحل می فرماید : ( و بر تو کتاب را نازل کردیم که هر چیز را بیان میکند و هدایت ، رحمت و - نیز - مژده ایست برای مسلمانان ) . و همچنان در آیات 87 و 88

سوره ص می فرماید : ( نیست این قرآن مگر پندی برای همه جهانیان و بیگمان شما به واقعیت آن بعد از مدتی پی می برد ) . ( ۳ ) .

از آنچه فوقا توضیح داده شد میتوان استنباط نمود که قرآن را بایست از عینک ساینس خواند تا به کنه اشارات و کنایه های آن در مورد کشفیات و پیشرفت های علمی پی برد . مؤلفین تفاسیر علمی قرآن در جمله علمایی قرار دارند که از یونیورستی های مشهور ممالک غربی در علوم فریک ، کیمیا ، طب وغیره علوم دپلوم دارند هیچکدام از آنها ادعا نمیکنند که قرآن یک کتاب کلاسیک جغرافیه ، یا علوم طبیعی یا فزیک است بلکه همه ای آنها با مطالعه قرآن از نگاه رشته های تخصصی خویش با تحریر در می یابند که در مورد انکشافات علمی عصر امروز اشارات نسبتاً واضحی در آن موجود است که در هزار سال قبل از امروز نا ممکن بنظر می رسید .

بندگان مؤمن باید احکام قرآن را سرمشق راه و روش زندگی خود قرار داده در هر وقت و زمان گفتار و کردار خود را مطابق آن عیار سازند . برای اینکه این منظور برآورده شده بتواند قرآن بایست با استفاده از علوم منقول و معقول مورد تعمق قرار داده شود چنانچه در اولین آیات نازل شده قرآن کریم ( آیه های یک الی پنج سوره علق ) می خوانیم که : ( بخوان بنام پروردگار خویش آنکه آفریده انسان را از علق \* بخوان و پروردگارت بسیار کریم است \* آنکه انسان را بوسیله قلم خط و کتابت آموخت ، به انسان آنچه را نمیدانست آموخت ) .

پروفیسور عبدالسلام ، برنده جائزه نوبل در فزیک هستوی 1979 می نویسد که 750 آیه قرآن یعنی تقریباً هشتم حصه ای آیات قرآنی مؤمنین را توصیه می کند به مطالعه طبیعت ، تفکر ، تعمق و بکار انداختن منطق و استدلال در فهم اسرار کائنات و همچنان قرار دادن این روش ها بحیث یک جزو زندگی اجتماعی . پیغمبر اسلام بدست آوردن دانش و ساینس را برای هر مرد و زن مسلمان فرض گردانید . یکی از مثال های مشکلات تفسیر که با استفاده از ساینس و آمپریولوژی حل میشود تفسیر کلمه ( علق ) است .

علق به عربی معانی مختلفی دارد مانند خون بسته، جوک، یک شی آویزان، چسپیده و غیره. اکثر مفسرینیکه از انکشافات علمی و میکروسکوپ و علوم آمبریولوزی و بیالوژی اطلاعی نداشتند علقه را بخون بسته تفسیر کرده اند، کلمه علقة پنج بار در قرآن مجید تذکر داده شده. کلمه ای خون بسته به هیچ صورت با مفهوم آیات مربوطه سرنمی خورد زیرا انسان هیچگاه از مرحله خون بسته گذر نمیکند، بهترین تفسیر کلمه علقة که با مفهوم علوم بیالوژی و آمبریالوژی صدق میکند عبارت است از آن مرحله انکشاف تخم آبستن شده انسان که مانند جوک جهت تغذیه در جدار رحم مادر می چسبد. این عمل در روز ششم بعد از القادح تخمک صورت میگیرد.

کلمه علم صد ها مرتبه در قرآن مجید ذکر شده که شامل علوم دینی فلسفه، صرف و نحو، فقه، علم کلام، کیمیا، بیولوژی، فریک، استرونومی، جغرافیه، تاریخ، ژئولوژی، تکتونیک، اجتماعیات طب، آمبریولوژی، ژنتیک و غیره می باشد که البته همیشه مراحل انکشافی خود را می پیماید. فهم معانی قرآن مستوجب تعلق، تدبر، تفکر و تفقه است.

چنانچه تعقل 60 مرتبه، تدبر 21 مرتبه، تفکر 18 بار، و تفقه 19 بار در قرآن عظیم توصیه گردیده. بصورت مثال آیات آتی در موارد متذکره یاد آوری می شود.

سوره ص: 29 ( این کتاب مبارکی است که آنرا بتونا نازل گردانیدیم تا مردم در آیات آن بینندیشنند و تا خدمدان از آن پند گیرند ) . در این آیه مانند 20 موارد دیگر به اندیشیدن و تدبر توصیه گردیده است. و در مورد خواندن قرآن کلمه اقراء را نمیتوان با یک کلمه دری ترجمه نمود، بلکه مشتمل است بر خواندن، یاد گرفتن بدیگران خواناندن و تبلیغ. ( ۳ ) .

یکی از مثال های تفکر در مورد قرآن را در آیات 190 و 191 سوره آل عمران چنین می خوانیم ( واقعا در آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز برای خدمدان نشانه ها است، آنها یکه ایستاده، نشسته و به پهلوی خویش «

در از کشیده» خداوند را یاد میکنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین فکر میکنند و با خود میگویند پروردگار ما اینهارا عبث نیافریده ای، به پاکی یاد می کنیم ترا پس ما را از آتش دوزخ نگهدار).

از مثال های تعقل در آیات قرآن یکی هم آیه 32 سوره انعام را مثال می آوریم که می فرماید : ( و نیست زندگانی دنیا جزله و لعب و بیگمان سرای آخرت برای مردم با تقوی بهتر است آیا شما تعقل نمی کنید ؟ ) . همچنین قرآن کریم در آیه 44 و آیه 164 سوره بقره و در سوره نور : 61 به تعقل و تفکر دعوت میکند و خداوند کریم عدم تعقل را موجب عدم هدایت می داند . (سوره بقره آیات 170 و 171 ) و نیز جهان و قوانین حاکم بر آن را عبث نیافریده بلکه حکمتی در کار بوده است (سوره انبیاء : 16 ) در مورد تفقه ( فهمیدن ) بصورت مثال سوره انعام : 65 را چنین می خوانیم ( بگو او قدرت دارد که بر شما از بالای سر شما یا از زیر پای شما عذاب بفرستد یا شما را به نزاع های گروهی بیامیزد و به شما مزه ستیزگی بچشاند ، بین چگونه آیات را (به آنها) بیان میکنیم تا ایشان بفهمند ).

قرآن مجید در سوره فصلت : 53 می فرماید : (بزوی به ایشان نشانه های خود را در آفاق یعنی اطراف و اکناف جهان هستی و ( نیز ) در وجود و هستی خود شان نشان میدهیم تا برای شان روشن شود که این (پیام ) حق است .... ) .

مرحوم صلاح الدین سلجوqi کتابی تحت عنوان ( تجلی خدا در آفاق و انفس ) در سال 1345 شمسی در کابل به نشر سپرد که در مورد تجلی خدا در کائنات و در جسم و نفس انسانی توضیحات مهمی داده است . او می گوید : خدا منشأ مقدس ، علم و عقل و شعور و تمیز و حدث و بینائی و شنوائی است و همه نور های مادی و معنوی جسمی و روحی ، قبیسی است از نور ذات و صفات او ، آری خداست نور آسمانها و زمین و این بداهت عقل است اگر عقلی باشد . چقدر عاقل بودند اجداد بلخی ما که بیش از ده هزار سال عقیده داشتند که

بیزدان نور است بعلم و حکمت خود و فعل است به اراده و قدرت خود ، قرآن می فرماید :

( خدا نور آسمانها و زمین است ، نور او بدان ماند که گوئی طاقچه ایست که در آن چراغی است و چراغ در شیشه ایست که مانند ستاره درخشان می تابد . واز درخت مبارک زیتونی که نه شرقی و نه غربی است افروخته میشود . و روغن آن درخت آنقدر روشن است که گوئی بدون تماس آتش بذات خود می درخشد نوری است در نور ) سوره نور : 35 . این آیه مبارکه را بو علی بن سینا در « اشارات » بمراتب چهارگانه ای عقل بصورت شیوه ای تاویل کرده است ولی این آیه معجزنما میتواند درین موقعی که ما از ماده و معنی و طبیعت و حیات حرف میزنیم نیز بما الهاماتی حسب ذیل اعطا فرماید :

« طاقچه » مثلا عبارت است از دنیای موالید ( جماد و نبات و حیوان به استثنای انسان ) که نور شعور به اندازه نزدیکی و دوری آن از چراغ برآن تابیده است یعنی به اجزای نزدیکتر آن بیشتر و به اجزای دور تر آن کمتر . و مثلا این نور بصورت جذب و دفع ، در جماد تابیده است و بتابش قدری بیشتری یعنی بشکل تغذیه و نمو و قدری هم حرکت در نبات فیض شده است و بروشنی هنوز بیشتری بعنوان رفتار و سلوک طوعی در حیوان پرتو افگنده است .

« شیشه » که مانند ستاره درخشانی درین کائنات میتابد همانا انسان است که آئینه روشنتری است برای تجلی آن نور و فانونس شفاف تری است برای آن چراغی که آسمانها و زمین را افروخته است . شیشه ایکه زیت آن از زیتونی است که به پهلوی صدره و طوبا در پایگاه عرش روئیده است . و طبعا آن زیتونی است قدسی ولا مکان زیرا از جهات و مکان که شرق و غرب باشد مجرد است . و نیز لا یتناهی زیرا شرق و غرب اشاره دارد به صبح و شام زمان یعنی آن زیتون از قید زمان هم مبری است .

زیتونی است که زیست آن بذات خود و بدون هیچ فروزینه می فروزد و می درخشد. پس شعور انسان از زیتی افروخته شده که عبارت است از روح و روح از زیتی است از زیتون عرش خدا ، گویا هر نوع شعاع حسی و هر گونه نور شعوریکه در کائنات موجود است خواه بصورت بدایی خود که عبارت از جذب و دفع باشد و خواه حرکت و خواه حس و خواه عقل و ادراک. همه اشعة و پرتو های آن نوری است که بر آسمانها و زمین تافته و می تابد . که انسان شفاف ترین فانوس و روشن ترین آئینه آن نور است پس این ( همان نور ) تصریح میکند به اینکه هر چیزیکه برهان چیزی دیگری می شود و آنرا روشن و برهنه می کند خواه از روی ماده و یا معنی همانا نور است. ولی نور حقیقی که بر همه شموس و اقمار آسمانها و کهکشان ها و هم بر همه مشاعر و سرایر دلها تافته است همانا نور خدا است که فوق آن نوری نیست و آن نوری است که قبیسی از آن بر همه موجودات بقدر استعداد آنها فیض شده است و بر انسان از همه بهتر و بیشتر ارزانی گشته است. پس بر ماست که در روشنی آن نور در کائنات آسمانها و زمین به دیده ای قیاس و اعتبار ببینیم و در آنها غور نماییم تا از معرفت آنها دل ما بر فروزد و از علم به طبیعت و کیمیا و تکنیک آنها برین موجودات چیره شویم و آنها را مسخر سازیم و کسب سعادت ، رفاهیت و عزو کرامت که شایسته خلیفه خدا است نمائیم. (14) .

علمای مشهور جهان که در رشته های مختلفه ساینس تخصص دارند چندین مرتبه در ممالک مختلفه اسلامی در کنگرس ها و کنفرانس های اسلامی دعوت شده اند تا روی ارتباط رهنمائی های قرآن کریم و انکشافات معاصر و علوم و تکنالوژی تبادل افکار نمایند.

اکثرا این کنگرس ها با پشتیبانی معنوی و مالی ممالک مربوط توأم بوده مانند سمینار بسیار با شکوهی که از 29 الی 30 جنوری 1983 در شهر کلکته هند صورت گرفت سمینار قرآن و ساینس بود بشمول علم طب . سومین کنگرس بین المللی مطالعات قرآنی در راولپنڈی ، پاکستان از 22 الی 27

نوامبر 1985 در مورد پروبلم های دانش مدرن و فهم مفاهیم قرآن دایر گردید . از 23 الی 26 سپتember 1985 اولین کنگرس در مورد اعجاز علمی و طبی قرآن مجید از طرف دوکتوران طب در قاهره ترتیب گردید . سال بعد از طرف رابطه العالم الاسلامی که مرکز آن در مکه مکرمه است یک سمپوزیم خیلی مهم تحت عنوان «معجزه های علمی در قرآن مجید» در مکه معظمه برگزار گردید . رابطه العالم الاسلامی یک دپارتمنت اختصاصی برای اعجاز علمی قرآن تحت اداره شیخ عبدالمجید الزندانی تأسیس نمود .

داکتر عبدالله نصیف (داکتر در فزیک و فعلا رئیس مجلس شورای مشورتی مملکت عربستان سعودی ) رئیس اسبق رابطه العالم الاسلامی در بیانیه افتتاحیه خود از تمام مربوطین یونیورستی ها و علمای ساینس دعوت جدی نمود تا هر کدام مسئولیت خویش را در برابر کشفیات عظیم علوم ازیکسو و قرآن مجید و رسم و رواج ها از جانب دیگر ایفا نمایند . این مؤسسه مکلف گردید تا یک بانک معلومات را در این موارد تأسیس نماید . (3) . سپس در 18 اکتوبر 1987 در یونیورستی اسلامی بین المللی اسلام آباد ، پاکستان کنفرانسی در مورد معجزات علمی در قرآن و در عرف و رسم و رواج دایر گردید .

در اینجا بطور مثال بعضی از مسایل قرآنی که از طرف علمای ساینس مورد بحث قرار گرفته بصورت مختصر تذکر داده میشود تا دیده شود چگونه علمای برجسته ای ساینس در رشته های مختلفه به اعجاز قرآن اعتراف نموده اند .

آفرینش کائنات:

در سوره فصلت: 53 خداوند می فرماید: ( بزودی به ایشان نشانه های خود را در آفاق « یعنی اطراف و اکناف جهان هستی » و نیز در وجود و هستی خود شان نشان میدهیم تا برای ایشان روشن شود که این « پیام » حق است ).

در مورد اسرار کائنات و آنچه در بین آنها موجود است از ابتداء تا انتها در قرآن مجید بیاناتی مندرج است. منتها در هر عصر و زمان انسان ها مطابق سویه و فهم و ادراک همان عصر میتوانند از آن استفهام و استفاده کنند . قرآن رهنمای دینی ، معنوی ، اخلاقی ، حقوقی و اجتماعی است که به حقایق عالم فزیک نیز اشاراتی دارد و تا کنون هیچ یک از آیات قرآنی مغایر حقایق ثابت در ساینس واقع نشده است.

فرضیه های ساینس وقتا مورد تغیر و تبدیل و اصلاح واقع می شوند اما آیات قرآنی ثابت اند لذا اگر بین یکی از آیات قرآنی و یک فرضیه علمی ( علوم عصری ) مغایرتی بنظر آید یا اینکه تعبیر و تفسیر از طرف اشخاص ذی صلاح صورت نگرفته و یا اینکه فرضیه علمی متذکره نادرست است ( و پیشرفت های مزید علمی در آینده به اصلاح آن خواهد پرداخت ) .

بندگان مؤمن را لازم است که تا اندازه ای در مورد آفرینش آسمانها و زمین معلومات کسب کنند . خدای تعالی درین مورد چنین ارشاد فرموده: ( واقعا در آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز برای خردمندان نشانه هاست . آنها یکه ایستاده و نشسته و به پهلوی خویش - دراز کشیده - خداوند را یاد میکنند و در اسرار

آفرینش آسمانها و زمین فکر میکنند « و با خود می گویند » : پروردگار ما اینها را عبث نیافریده ای به پاکی یاد میکنیم ترا ، پس ما را از آتش دوزخ نگهدار \* آل عمران: 190 - 192 ) .

تفکر در خلق آسمانها ایجاب میکند تا موضوع را قدری عمیقتر مطالعه و تا آنجا که علم قرآن و همچنین ساینس امروزی امکانات آنرا میسر ساخته مورد استفاده قرار دهیم و آنگاه به تفکر بپردازیم. تفکر به کائنات یا جهان Universe مورد بحث است. البته منظور از عالم درین مورد عالم فزیکی است نه عالم روحی و ملکوتی و عالم جبروت و عالم لاهوت. عالم فزیکی متشكل است از زمین و آسمان‌ها و آفتاب و ستاره‌گان و آنچه در بین آنها است.

Edwin Hubble در 1930 نتایج تحقیقات و مشاهدات کیهان‌شناسی خود را به نشر سپرده ادعا نمود که جهان در توسعه است و کهکشان‌ها از ما دورتر شده میروند. در مورد پیدایش جهان عقاید عمومی علمای کیهان‌شناسی براین است که جهان بزرگ در بدرو امر فضایی مرکب از گاز و غبار متشكل از عناصر سبک بوده این جرم وسیع اما راقیق بدور خود حرکت دورانی داشته در داخل آن از اثر حرکت مواد دگرگونی‌های روی میداده است در اثر حرکت مواد گاه گاه در توده‌های گاز وسیع انفجار‌های بوقوع پیوسته که گازها و ابرها را پاره کرده باعث تشکل پارچه‌های گازی بزرگی شده اند که بعد ها منشاء پیدایش کهکشان‌ها گردیدند. پارچه‌های مجزا در داخل هر کهکشان «Galaxy» نیز تحت تأثیر قوای جاذبه و حرکت دورانی تدریجاً متحول و درین روند تحولی رفته منقبض شده به قطعات متکاف تر و کروی که همان هسته‌های اولیه ستارگان کنونی بوده اند تبدیل شده اند برین مبنای کیهان شناسان امروز براین عقیده اند که منشاء عالم، حجم‌نا محدود مرکب از گاز و غبار رقیقی بوده و گروه ستارگان در نتیجه یک انقلاب تکوینی داخل این توده وسیع گازی شکل پدید آمده است وهم اکنون نیز در کهکشان‌ها فضای بین ستارگان را موادی از همانگونه تشکیل میدهد و بروز دگرگونی‌هائی به همان ترتیب نیز منصور است اما کیهان‌شناسی مدرن و جدید تا اندازه زیاد بالای فرضیه Big Bang (استوار است).

طبق این فرضیه در حدود ده الی بیست مiliارد سال قبل انبساط سریعی در جهان بوقوع پیوست درجهانی که ابتداء مانند یک توپ آتشین خیلی کوچک بود درجه ای حرارت آن به هزارها مiliارد درجه میرسید انفجار بزرگی رخداد که مواد منفلقه آن به ابعاد صد مiliون Parsec پخش گردید . (8) .

یک صد مiliون Parsec عبارت است از فاصله ای 326 مiliون سال نوری عباره ای دیگر همان فاصله ای که اگر با سرعت نور یعنی 300000 کیلومتر فی ثانیه حرکت کنید باید 326 مiliون سال سفر کنید تا از فاصله را طی نمایید .

هیاشی چوشیرو Chushiro در سال 1950 کشف نمود که عناصر اساسی ترکیب دهنده جهان عبارت اند از : الکترون ، پروتون ، نوترون ، نوتريون و فوتون با تناسب یک نوترون برای هر ده پروتون .

جورج گاموف Gorge Gamow در سال 1940 با همکاران خویش باین نتیجه رسید که انفجار بگ بنگ با است اثرات قابل مشاهده ای باقی گذاشته باشد . او همچنین ارائه نمود که نوترون و پروتون با هم آمیخته و هلیوم را تشکیل میدهند چون هسته هلیوم دارای دو پروتون و دو نیوترون است بناء فرضیه بگ بنگ موجودیت فراوان هلیوم ( دومین عنصر از نظر فراوانی ) را در سرتا سر کائنات پیش‌بینی می‌کرد . با بوجود آمدن ( Synthesis ) عنصر نور در واقعه ای بگ بنگ ایجاب می‌کرد تا درجه حرارت در لحظات اولیه هزارها مiliارد درجه (  $^{\circ}$  K ) بوده باشد . (11) .

حرارت لحظه اولیه یعنی ده Miliard حصه یک ثانیه یعنی 10 بطاقت منفی 10 ثانیه به اندازه یک مiliون مiliارد درجه Kelvin یعنی 10 به قوه 15 درجه K تخمین گردیده (11) .

فوتون ها و ذرات سب اتمیک ساخته شدند و در ظرف دو دقیقه اول حجم این توپ آتشین باندازه ای انبساط نمود که درجه حرارت آن به ده Miliard درجه پائین آمده و در ظرف دو ساعت دیگر به صد مiliون درجه ( K ) رسید . و

امکانات آن میسر گردید تا اтом های هایدروجن، هلیوم، و دیوتیریوم بوجود آیند.

تمام فضا در مقابل نور مکدر و غیر قابل نفوذ بود . ( آیا دخان یا دود و غباریکه در قرآن کریم ذکر گردیده منظورش همین دوره است ؟ ) مدت یک میلیون سال دیگر لازم بود تا گازهای داغ، ابرها و بخار های مکدر بحال شفاف مبدل گردند . ( 12 ) .

دلایلی که فرضیه ( Big Bang ) را تأیید میکند عبارت اند از :

1- کشف Hubble و Le Maitre در مورد توسعه جهان .

2- پیشگوئی ساخته شدن ( Synthese ) نور .

3- فراوانی جهانی هلیوم در همه گلکسیها ( کهکشان ها ) .

4- کشف امواج ( Microwave ) در فضا که اثرات قابل ملاحظه واقعه بک بنگ شمرده میشود .

این بود خلاصه بوجود آمدن جهان که علمای کیهان شناسی و ریاضی مانند Gamov ، Hubble ،

Le Maitre ، اشتاین و غیره بصورت یک فرضیه قبول کرده و تقریبا با قراین و شواهد عینی و مشاهدات خیلی پیشرفته علمی به حقیقت نزدیک است. اکنون ببینیم که قرآن مجید در زمینه چه اشاراتی دارد :

قرآن در مرحله اول از عالم ها بصورت جمع بحث میکند چنانکه در سوره فاتحه 2 می خوانیم : ( ستایش خدای راست، پروردگار عالمها ).

اما ماهیت این عالم ها توضیح نشده که آیا منظور تنها از عالم های فزیکی است مانند آنچه ما در اطراف آن بحث میکنیم یا عالم ملکوت و عالم جبروت یا عالم انسانها و عالم اجنه ( جن ها ) وغیره .

در صورتیکه منظور از عالم فزیکی باشد ، آیا قبل از جهان موجوده جهان دیگری وجود داشته یا خیر ؟ بعد از ختم زندگی روی زمین زندگی روی دیگر زمینها ( غیر از نظام شمسی ما )

دوم خواهد داشت ؟ از روی آنچه ما برداشت کرده توانسته ایم ، قران کریم همه این سوالات و جوابات را صریحا مطرح نکرده و علم همه ای آنها نزد خداوند است به نص آیه 85 سوره اسری که ترجمه آن این است : ( از تو ای محمد در مورد روح میپرسند ، بگو روح « وحی یا اسرار عالم روحانی » از حکم پروردگار من است ، و از علم بجز اندکی بشما داده نشده است ). منظور ما از یاد آوری آیه مبارکه فوق این است که خداوند علم را به بندگان خود ارزانی فرموده اما اندکی از آن را .

علوم عصری طوری که دیدیم پیدایش جهان امروزی را از انفجار عظیم گازها و غبار ها شروع میکند ( بگ بندگ ) و راجع به ما قبل از آن اظهار عجز می کنند . کلمه رب العالمین بصورت مکرر در قرآن کریم ذکر گردیده و مبدئ و معید دو اسم خداوند از جمله اسماء الحسنی است یعنی آفریننده ای دفعه اول و باز اعاده کننده . قرآن مبین در سوره بروج : 13 الی 16 توضیح میدارد :

( واقعا اوست که از اول می آفریند و « زندگی را » اعاده میکند، اوست آمرزگار و بسیار دوست دارنده ، صاحب عرش با شکوه و جلال . هر چه را بخواهد انجام دادنی است ) . طوریکه یوسف علی در تفسیر خویش تحت آیه 117 سوره بقره تذکر میدهد ، عملیه آفرینش هنوز هم در حال تشکل است و همه اشیاء در آسمانها و زمین به تدریج آفریده می شوند . آیه 117 سوره بقره بدین ترتیب آمده : ( خداوند ایجاد گر آسمانها و زمین است و هر گاه او به چیزی دستور دهد پس بیگمان بآن میگوید « شو » و آن چیز میشود ) .

در مورد پیدایش آسمانها و زمین و مواد اولیه آن قرآن کریم چنین میفرماید : ( علاوه بر آن ، خداوند به « آفرینش » آسمانها پرداخت در حالیکه دودی بود به آسمانها و زمین گفت : بخوشی خود یا بзор بیائید . گفتند به خوشی آمدیم ) . ( فصلت : 11 ) .

درین آیت سؤال و جواب بین خداوند (ج) از یکسو و آسمان و زمین ابتدائی از سوی دیگر جنبه ای سمبلیک دارد. مقصود بیان اطاعت آسمانها و زمین است از فرامین خداوندی و قوانین جاذبه کائنات. آین آیات قرآنی تقریباً سیزده و نیم قرن قبل از فرضیه بگ بنگ نازل شده و در هر منزل و هر کتابخانه و هر یونیورستی موجود است.

منظور از دخان یعنی دود (Smoke) درین آیت همان حالت گازی ایست که ذرات کوچک دیگری در بین آن به حالت تعلیق موجود بوده و دارای حرکت و حرارت بلند باشد. موضوع توسعه جهان را قرآن کریم با وضاحت کامل چنین بیان میکند: (و آسمانها را به قوت بنا کردیم و بیگمان آنرا وسعت دهنده ایم) (زاریات: 47).

یکهزار و سه صد سال بعد از نزول این آیت کیهان شناسان روسی و بلژیکی و امریکائی نتایج مشاهدات خود را نشر و نظریات خود را درباره توسعه جهان ارائه نمودند.

Edwin Hubble فورمولی وضع نموده که بر اساس آن عمر کهکشانها را سنجش و عمر جهان را هزار ملیارد سال سنجش نموده. (12) در مورد خلقت آسمانها و زمین آیات متعددی نازل گردیده مانند: (خداوندی که آسمانها و زمین و هر آنچه در میان آنهاست در شش روز بیافرید . علاوتا به عرش مستولی شد شما بجز او هیچ شفاعت گر ندارید . پس آیا پند نمیگیرید ؟ سجده: 4).

در جای دیگر چنین آمده: (آیا نمی بینید که چگونه خداوند هفت آسمان را طبقه، طبقه بیافرید و ما را در آنها نوری گردانید و آفتاب را چراغی گردانید) (نوح: 15 و 16). مقصد از روز در آیه 4 سوره سجده و آیات دیگری که به مناسب خلقت کائنات نازل گردیده روزی نیست که ما انسانها در زندگی روز مرد خود تطبیق میکنیم یعنی موعدی که در آن، زمین در حالیکه گردش خود را به دور آفتاب دوام میدهد یک دور مکمل را بدور خود تکمیل میکند،

یعنی 24 ساعت. هنگام آفرینش آسمانها و زمین هنوز این نظام شمسی و این مدارها بوجود نیامده بود. از جانب دیگر در آیه 5 سوره سجده یک روز معادل هزار سال ما خوانده شده و نیز در آیت 4 سوره معارج یک روز 50000 سال خوانده شده است. از این رو در می یابیم که معیار وقت نزد مردم روی زمین چیزی است و نزد خداوند چیزی دیگری. ولی به هر صورت مفهوم روز تا جاییکه به آفرینش جهان ارتباط میگیرد مدت طولانی را در بردارد. (4).

مرحوم عبدالله یوسف علی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید به لسان انگلیسی می نویسد : کلمه آیام ( جمع روز ) در امور خلقت را که مسائل آفرینش قبل از خلق شدن سیستم آفتاب را بیان میکند بایست به معنی ادوار طولانی یا اعصار تلقی نمود ( نوت 3632 ) تفسیر

مذکور در ذیل آیه 4 سوره سجده تذکر داده شده است .  
همچنین نوت 1031 و 4475 تفسیر مذکور دیده شود (4).  
کلمه یوم در قرآن مجید 349 مرتبه ذکر گردیده ، یومین (دو روز) سه بار و کلمه آیام (روزها ) 23 مرتبه در قرآن آمده است. یوم در بعضی موارد مانند نماز و روزه و دیگر عبادات بمعنى 24 ساعت تفسیر گردیده اما اکثرا به مدت های خیلی طولانی تعبیر میشود زیرا در آن زمانه ها یا اینکه آفتاب و مهتاب هنوز خلق نشده بودند (در شروع آفرینش کائنات ) و یا اینکه بشكل موجوده ای خود وجود نخواهند داشت (مانند : یوم الدین ، یوم القيامه ، یوم الآخر ، یوم الفصل ... و غیره ) بناء ایوم در قرآن کریم نظر به موضوع از 24 ساعت گرفته تا هزار سال و پنجاه هزار سال گفته شده است. طول روز هر چه باشد می تواند باشد زیرا خداوند منحصر به زمان و مکان نیست. در مورد هفت طبقه آسمان: آسمانها را نباید فضای خالی تصور نمود بلکه در بین همه آنها اجرام سماوی موجود اند که بین خود با قانون جاذبه ارتباط قایم کرده بدور محورها و مدارهای خویش در حرکت اند. از آنجائیکه آسمانها شکل مسطح نداشته یا

چتری مانند نیستند تا تصویری از طبقات آنرا در ذهن ترسیم نمود لذا مشکل است طبقات آنرا ترسیم نمائیم. یکی از دکتواران طب بنام خالد صنادیقی نمونه‌آتی را برای این منظور ارائه میکند: آسمان زمین، آسمان نظام شمسی، آسمان راه شیری ( Milky way )، آسمان گروپ محلی کهکشان‌ها، آسمان گروپ وسیعتر کهکشان‌ها ( Cluster Of Galaxies ) و حتی آسمان تمام جهان.

نامبرده فکر میکند این آسمان‌ها یک دیگر خود را تا اندازه‌ای احاطه کرده اند و اسم آسمان‌های چند طبقه‌ای را میتوان به آن اطلاق نمود ( 13 ) والله اعلم بالصواب.

آسمان دنیا یعنی پائین ترین یا نزدیکترین آسمان‌ها به ما همانا در درجه اول آسمان زمین و بدرجه دوم آسمان نظام شمسی است. آسمان رنگ ندارد، همیشه سیاه و تاریک است. این رنگ نیلگون انعکاس نور آفتاب است توسط قشر اتموسfer زمین که باین رنگ زیبا جلوه میکند.

موضوع دیگری که در قرآن مجید بوضاحت بیان گردیده این است که هنگامیکه خداوند جل جلاله آسمان‌ها و زمین را خلق نمود در ابتداء متصل با هم بودند، سپس آنها را از همدیگر جدا ساخت. چنانچه در سوره انبیاء: 30 می خوانیم ( آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین با هم پیوست بودند و ما آنها را از هم دیگر جدا کردیم و از آب هر چیز زنده را ساختیم آیا ایمان نمی آورند ؟ ).

هر گونه تحقیقات علمی که در مورد کیهان بعمل می آید به تأیید این آیت است که زمین از مواد مثل آسمانها بوجود آمده است و فرضیه علمی بوجود آمدن کهکشانها و نظام شمسی و زمین از مواد گداخته گازی اولیه با این آیت توافق دارد. این توافق چنین معنی را افاده نمی کند که قرآن این فرضیه‌های کیهان‌شناسی را با تمام جزئیات آن تأیید میکند بلکه صرف خطوط اساسی

آنها با آیات قرآنی توافق دارد زیرا طوریکه قبل اگفته شد فرضیه ها روز بروز در تغیر و تحول بوده کشفیات جدیدی صورت میگیرد.

قرآن کریم از آفرینش بیش از یک زمین در کیهان بحث میکند . در سوره طلاق : 12 می خوانیم که : ( خدائیکه هفت آسمان و زمین های نظیر آن بیافرید و فرمان خدائی در میان آنها نازل میشود تا بدانید که خداوند به همه چیزو کار توانا است و خداوند به همه چیز از روی علم خویش احاطه دارد ) . تفسیر بیضاوی که صد سال قبل در استانبول ترکیه طبع شده کلمه « مثلهن » را به معنی « مثل آنها در تعداد » تعبیر نموده . (12).

به اساس آیه مبارکه فوق بتعداد هفت یا بیشتر زمینها مانند زمینی که ما در آن زندگی میکنیم در جهان موجود است . منحیث یک مسلمان همین آیه مبارکه موجودیت آنرا برای ما ثابت میکند دلیل دیگری بکار نداریم . اما آیا در آن زمین ها زندگی مانند امرار حیات درین کره خاکی ما میسر است ؟ تا کنون برای چنین سؤالی پاسخی سراغ نشده . اما در صورتیکه زمین های متذکرہ دیگر دارای عین شرایط محیطی و اتموسferی و غیره مثل زمین ما باشد منطقا شاید حیات نیز در آن ها امکان پذیر باشد .

تعداد آسمان ها بحث دلچسپی است که تا نیمه دوم قرن بیستم توجهی بآن نشده اما بعدا مورد تبصره قرار گرفته . عبدالله یوسف علی در 1930 در تفسیر قرآن کریم به انگلیسی می نویسد که عدد هفت در تصوف یک عدد اسرار آمیز است از یکطرف تعداد واژ جانب دیگر همبستگی و پیوستگی یک دسته را تمثیل میکند .

موریس بیوکای در مورد عدد هفت چنین می نویسد : « کلمه جهان » ده ها بار در قرآن کریم تکرار میگردد ، قرآن آسمانها را متعدد میخواند ، این تعدد نه تنها با آوردن کلمه آسمان به صیغه جمع یاد آوری میشود بلکه به کمک عدد

هفت نیز بصورت سمبولیک شماره بندی میشود. در سراسر قرآن عدد هفت به مناسبت های گونا گون بیست و چهار بار دیده میشود.

غالبا درین عدد معنی بسیار و کثیر نهفته است. اما نمیتوان بوضاحت علت چنین استفاده ای را از این عدد دانست. یونانی ها و رومی ها نیز عدد هفت را برای مفکوره ای نا معین جمع بکار می بردند. در قرآن کریم عدد هفت، هفت بار راجع به آسمانها (سموات) به معنی خاص است و یکبار نیز به تنها ای برای تعیین ضمنی آسمانها بکار میروند و بالآخره یکبار نیز برای بیان هفت راه آسمان ذکر میگردد. وی همچنین مینویسد: (فسرین قرآن در تفسیر این آیات با یک دیگر توافق دارند و عدد هفت را بیانگر کثرتی نا معین میدانند) و در پاورقی صفحه اضافه میکند «علاوه بر قرآن غالبا متون مربوط به عصر پیغمبر اسلام و نیز متون قرون اولیه اسلامی که ناقل اقوال پیغمبر اند (یعنی حدیث) عدد هفت را برای تعیین کثرت بکار میبرند. بنابر آن آسمان ها متعدد و زمین ها نیز چنین اند».

این بود توضیحات موریس بوکای در مورد عدد هفت که احتمالا در اثر مذاکرات شفاهی با علمای اسلام مخصوصا مصری ها نتیجه گیری نموده و برای تأیید آن کدام سند تحریری ارائه نکرده است امید است کسانیکه در ادبیات عربی تخصص دارند و یا دسترسی داشته و تا اندازه ای به مسایل کیهان شناسی نیز وارد هستند در زمینه اظهار نظر نموده بدريافت راه حلی همت گمارند.

انجینر ظهیر احمد که 18 سال در پروگرام های سفینه های فضائی اجرای وظیفه نموده در مسایل اسلامی و ارتباط آن با ساینس نشرات مفیدی هم دارد در مورد عدد هفت چنین مینویسد: عدد هفت معنی «چندین» را به مفهوم جمع افاده میکند. (12).

مفکوره اسلام راجع به آفرینش کائنات نکات آتی را در بر دارد:

- 1 - خداوند (ج) برآسمانها و زمین حکمروا است و او در راه بکار بردن این صلاحیت خود کدام ماندگی و یا خستگی احساس نمیکند ( بقره «آیت کرسی»: 255 ).
  - 2 - کار آفرینش و تکامل آن خاتمه نیافته و فعالیت ها همیشه دوام دارد ( اعراف: 54 و سجده: 5 ).
  - 3 - انسان در طرح اسلام توأم با حیوانات اولی در روی زمین خلق نشده بلکه ظهور او بر روی صحنه خیلی ها بعد تر صورت گرفته.
  - 4 - اسلام آفرینش کائنات را در شش روز ( مرحله ) خوانده است که جدا شدن کره زمین از کائنات، سرد شدن و منجمد شدن قشر آن نموی زندگی حیوانی و نباتی روی زمین و تکامل موازی سایر قسمت های کائنات را در بر دارد ( حم سجده «فصلت»: 12 الی 19 ).
- ( نوت: 4477 تفسیر عبدالله یوسف علی ) .

#### منشاء حیات :

در سوره حم، سجده «فصلت»: 53 می خوانیم : ( بزودی ما به ایشان نشانه های خود را در آفاق یعنی اطراف و اکناف جهان هستی و « نیز » در وجود هستی خود ایشان نشان میدهیم تا برای ایشان روشن شود که این «پیام» حق است ) .

یکی از اعجاز قرآن این است که در ضمن اظهار مسایل مربوط به حکمت و پند، چنان موضوعات علمی بقسم ضمنی بیان میشود که با انکشاف علم و وسعت افق معلومات بشر، حقانیت آن بیش از پیش ثابت میگردد . این مسایل برای بحث در باره خود آنها مطرح نگردیده بلکه بصورت ضمنی برای اثبات و توضیح حقایق معنوی و ضرورت پیروی از روش انسانی، بیان شده است.

در قرآن به مسایل بزرگ تاریخی و علمی تماس های اندکی به همین غرض صورت گرفته که گویا حکم ارشادات ضمنی را دارد. چنین ارشادات از طرف ذات دانا به همه اسرار جهان، برای بیان خود آن مطلب نیست، بلکه در عین حال خواننده را متوجه غنای علمی آن می گرداند.

مسئله منشاء حیات همواره فکر انسان را بخود مشغول داشته اورا بطرح این مطلب هم درباره خودش و هم درباره موجودات زنده دیگر از قبیل حیوانات و نباتات و ادار کرده است. قرآن در آیه آتی

بصراحت از منشاء حیات بحث می کند : ( آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بهم پیوست بودند و ما آنها را از یک دیگر جدا کردیم \* و از آب هرچیز زنده را ساختیم ؟ آیا ایمان نمی آورند ؟ ) ( انبیاء : 30 ).

درین آیه بصراحت از منشاء حیات یاد میشود. این جمله قرآن را میتوان بدین معنی گرفت که در هر موجود زنده، ماده اصلی و اساسی آن آبست و هم بدین معنی که آب خواستگاه هر موجود زنده است. و این هر دو معنی دقیقا با معلومات علمی مطابقت دارند.

محمد اسد در تفسیر The Message of the Quran ( 25 ) می نویسد که توضیح قرآن درین مورد حاوی سه مفهوم است.

اول آب مخصوصا آب بحر محیطی است که از بین آن نمونه ای اولیه تمام مواد زنده بروز نموده. دوم درین تمام انواع مختلفه مایعات تنها آب دارای خواص لازمه برای پدید آمدن و اکشاف حیات می باشد. سوم پروتوبلازم که اساس فزیکی هر سلول زنده را تشکیل میدهد ( چه حیوانی و چه نباتی ) یگانه شکل ماده است که در آن پدیده ای زندگی بظهور رسیده است. این پروتوبلازم طور عمده از آب تشکیل یافته و بصورت مطلق متعلق به آن گفته می شود ( 26 ). قسمت عمده ای نسج زنده جسم انسان از آب تشکیل گردیده است. آب تقریبا 92٪ پلازمای خون، 80٪ عضلات، 60٪ کرویات سرخ خون و بیش از 50٪ اکثر انساج دیگر را تشکیل میدهد. همچنین آب قسمت عمده دیگر انساج

سائر اشیاء زنده را تشکیل میدهد بر علاوه آب تقریبا 70٪ سطح کره زمین را (چه بشکل مایع و چه به شکل جامد یعنی برف و یخ) پوشانیده است.

لهذا آب معمولی ترین و زیاد ترین مابوعی است که بدسترس ما قرار داشته و به اندازه های مختلف در فضای کره زمین نیز موجود است.

به هر حال گفته می توانیم که آب ما یحتاج اولیه زندگی برای تمام موجودات زنده ای این کره (زمین) است. (16).

به اساس معلومات جدید، قدیمی ترین موجودات زنده را میبایست در طایفه نباتات جستجو کرد مانند الگ های دوره ای کامبرین، پس از آن اولین حیوانات یک سلوله حیوانی آنهم از آب های اوقيانوس ها سر برآورده اند.

کلمه آب، ترجمه کلمه عربی (ماء) هم مشخص آب آسمان (باران) و هم آب اوقيانوس ها است. ماء (آب) به معنی اول عنصر اساسی حیات نباتی است چنانچه آیه آتی توضیح میدهد: ( اوست که زمین را گهواره و آرامگاه شما کرده و در آن برای تان راه ها بساخت و از آسمانها آبی فرو فرستاد ما از آن آب عناصر جفت گونه ای رستنی های (نباتات) گونا گون را برون آوردیم ) . سوره طه: 53).

معنی دوم ماء، مابوعی است بدون تعین نوعیت آن، در قرآن کلمه ماء بصورت غیر مشخص برای چیزی بکار رفته است که مبنای ساختمان حیوان است (سوره نور: 45) و خداوند (ج) همه جنبندگان را از آبی آفریده ...). ماء را میتوان بحیث منشاء حیات بطور عام اطلاق کرد و یا بحیث عنصر ایجاد کننده نباتات در زمین تلقی نمود و حتی بحیث نطفه حاوی سپر متوزوئید در حیوانات اطلاق کرد. بنابر آن آنچه را آیات قرآنی یاد میکنند دقیقا با معلومات علمی جدید مطابقت دارد، که این هم از اعجاز قرآن محسوب میشود.

تولید مثل جنسی در نباتات بصورت غیر جنسی (مانند قلمه زدن) و نیز بصورت جنسی صورت میگیرد . تولید مثل جنسی نباتات با جفت گیری آله های نر و ماده بعمل می آید که در قسمت جهاز تناسلی نبات قرار دارند . این آله ها ممکن است هر دو روی یک نبات و یا نباتات جدا گانه قرار داشته باشند . قرآن در مورد تولید مثل جنسی نباتات (در سوره طه : 53) که قبل از ذکر داده شد سخن میگوید که عبارت است از عناصر جفت گونه (نر و ماده) رستنی های گونا گون . کلمه زوج که درین آیه ذکر رفته در مورد نباتات، حیوانات و انسان ها نیز استعمال می شود .

در مورد جفت نر و ماده نباتات آیات متعددی در قرآن موجود است که از آن جمله در سوره رعد : 3 می خوانیم : (واز هر قسم میوه دو صنف قرار دادیم) . طوریکه میدانیم میوه پایان جریان تولید مثل نباتات عالی است مرحله ای قبل از میوه گل است که دارای ساختمان های منظم و پیچیده بوده و دارای اعضای تناسلی نر و ماده می باشد . مادگی ها پس از القاح توسط گرد گل (Polen) میوه را بوجود می آورند و میوه پس از رسیدن (پخته شدن) دانه ها را آزاد میکند . بنابرآن هر میوه ای دربر دارنده اعضای تناسلی نر و ماده است و قرآن نیز

همین را میگوید . گرچه بعضی از نباتات مانند میوه های (پارتنوکروپیک) انجیر، مالته و انگور بدون بارور شدن گل (القاح) میوه میدهد اما منشاء این میوه ها نیز همان نباتاتی اند که دارای جهاز تناسلی می باشند .

قرآن غالبا بوجود زوج در نباتات اشاره میکند و ضمنا مفهوم زوج را به مفهوم وسیعتری با حدود غیر مشخص ارائه میدارد چنانچه می فرماید : (پاک است آنکه همه چیزهایی را که زمین میرویاند واز خود ایشان (بنی نوع انسان را) و از چیزهای که نمیدانند همه را جفت آفرید . یس : 36) . بایست توجه نمود که امروز ساختمان و طرز العمل زوجی در بسیاری از اشیاء مختلف شناخته شده

است. حالانکه در عصر پیغمبر اسلام طوریکه قرآن میگوید مردم با این ها آشنا نی نداشتند.

ساخت ها و طرز العمل های مذکور در بی نهایت کوچک ها و هم در بی نهایت بزرگ ها، هم در عالم جانوران و هم در طبیعت بی جان وجود دارند. چنانچه در یک ذره ( اтом ) قسمت مرکزی آن که متشکل از پروتونها و نیترونها است دارای چارج مثبت والکترون ها که در اطراف آن در حرکت اند ، دارای چارج منفی می باشند .

کشفیات جدید علمی نشان میدهد که نه تنها انسان و حیوان معمولی بلکه حشرات و جمیع نباتات جفت آفریده شده نرو ماده دارند. علاوه بر حیوانات و نباتات در جامدات نیز جفت بودن و جفت داشتن یک امر عادی است به این تفاوت که زوجیت در جانداران بشمول نباتات به نرو ماده تعییر میشود اما در موجودات بی جان به جاذبه و دافعه یا مثبت و منفی و غیره . با کشف این حقایق علمی پرده از روی اعجاز علمی قرآن درین باره برداشته میشود بعباره دیگر یکی از معجزات این کتاب آسمانی بر عموم مکشوف میگردد که چهارده قرن قبل مکرر تصریح میفرماید که علاوه بر انسان و حیوان، نباتات، گلها و میوه ها (درختان میوه ) جفت هستند و نرو ماده دارند چنانچه در سوره حج : 5 می فرماید : ( در زمین از هر جفت گیاه خرم و خوش منظر رویانید ).

در سوره شعراء آیت 7 می خوانیم : ( چقدر از هر جفت روئیدنی عالی و نیکو در آن زمین رویانیدیم ) . و نیز در سوره لقمان آیت 10 و سوره ق آیت 6 همین معنی تکرار میشود و همچنین در سوره رعد آیت 3 می خوانیم که : ( از همه میوه ها در این زمین دو جفت قرارداد ) . و نیاز آیات متعدد دیگری درین زمینه موجود است. همچنین در سوره الذاریات : 49 می فرماید : ( و از هر چیزی دو جفت آفریدیم، باشد که پند گیرید ) .

اما آنچه درین بحث اساسی است ، یاد آوری این مطلب است که مفهوم مذکور بطور واضح در قرآن بیان گردیده و هم آهنگیش با علم امروز مورد

مناقشه نیست. در مورد تولید مثل در حیوانات ( بشمول انسان ) قرآن بصورت مشخص تراز مذکرو مونث یا نر و ماده یاد نموده چنانچه می فرماید : ( و او دو زوج نر و ماده از مقدار اندکی مایع به هنگامیکه ریخته میشود بیافرید \* سوره نجم : 45, 46 ). منظور از مقدار اندکی مایع در اینجا سپرمه حیوانی است که درباره ای انسان نیز تطبیق میشود .

### عوامل تشکیل دهنده شیر حیوانی :

قرآن کریم درین مورد چنین بیان می دارد : ( براستی چهار پایان شما برای شما عبرت انگیزند \* ما از آنچه در درون بدن شان وجود دارد و از اقتران و یا ارتباط میان محتوی احشاء و خون حاصل میشود ، شیر خالص که برای نوشندگان گوار است بشما می نوشانیم \* سوره نحل : 66 ).

بطور عموم مواد اساسی برای تغذیه وجود ، محصول تعاملات کیمیاوی در طول دستگاه هاضمه است. این مواد که در محتویات امعاء واحشاء وجود دارند ، هنگامیکه بدرجه ای معین و مناسبی از تحولات کیمیاوی رسیدند از خلال جدار روده عبور می کنند و داخل دوران خون می شوند ( چه بصورت مستقیم و چه از طریق شبکه ای لمفاوی ) . غدوات پستان ترشح کننده مواد سازنده ای شیر اند. تغذیه این غدوات از موادیست که پس از هضم اغذیه در داخل امعاء از طریق گردش خون به آنها میرسد .

در ابتدای محتوای روده ها و خون در سطح جدار روده ها در برابر هم قرار میگیرند. این نکته دقیق که نتیجه انکشافات کیمیاوی و فزیولوژیک جهاز هاضمه است، در زمان پیغمبر اسلام (ص) کاملاً ناشناخته بود و حتی کشف میکانیزم گردش خون توسط هاروی Harvey تقریباً ده قرن بعد از نزول قرآن صورت گرفته است. بنابر آن قرآن در مورد منشاء عوامل تشکیل دهنده شیر

حیوانی، با معلومات علمی جدید مطابقت کامل داشته و این نیز از جمله اعجاز علمی قرآن بشمار می‌رود و نمیتواند مبداء و منشاء بیان بشری داشته باشد.

آمبriولوژی :

قرآن کریم مراحل مختلف آمبriولوژی یعنی مطالعه و شناسائی جنین انسان را بصورت مشرح و مکرر مورد بحث قرار داده است. برای اینکه بوضاحت و واقعیت بیانات قرآن ارج بیشتری گذاشته شود بهتر است نظر مختصراً بر نظریات علمای مشهور جهان درین زمینه بیندازیم.

ارسطو ( C 322 B -- 384 ) اولین کتاب آمبriولوژی را در مورد جنین مرغ و غیره برسته تحریر در آورده در آنzman دو نظر در مورد جنین مرغ موجود بود یکی اینکه جنین به شکل بسیار کوچک در بین سلول نر موجود بوده و سپس در رحم مادر نشو و نما می‌کند . دوم اینکه جنین از خون قاعده ای ماهوار خلق می‌شود .

ارسطو طرفدار نظریه ای دومی بود . هاروی در سال ( 1651 ) می‌گوید : منشاء هر چیز زنده یک تخم است . و جنین نیز قسمتی پس از قسمت دیگر تشکیل می‌شود . با وجود کشف میکرو سکوپ در آنzman هنوز هم نقش سپر متوزوئید و تخم مشخص نشده بود . Redi در 1668 و سپس Pasteur در 1864 به اینگونه نظریات مبهم خاتمه دادند .

اما قرآن 1100 سال قبل از Redi حقیقت خلق انسان را طوری بیان می‌کند که ترجمه آن چنین است : ( به تحقیق ما انسان را از یک قطره مختلط مایعات خلق کردیم ) وقتی یک یهودی از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پرسید که انسان از چه چیز خلق گردیده ؟ آن حضرت فرمودند : انسان از مایعات مرد و زن هر دو خلق گردیده .

وقتی معنی نطفه امشاج از ابن عباس پسر عم آن حضرت پرسیده شد او در جواب فرمود نطفه امشاج عبارت است از مخلوط مایعات (تناسلی) مرد و زن که مراحل مختلف انکشافی را طی میکند. (17) و (18).

ابن حجر العسقلانی که در قرن 14 می زیست می گوید : اکثر اناتومیست ها رول سپرمه مرد ها را نادیده گرفته فکر میکنند تنها عامل بسته شدن خون قاعده ماهوار زن است که از آن انسان خلق میشود . بیانات پیغمیر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم این نظریات شان را باطل ثابت کرد و به اساس آن سپرمه مرد پنجاه فیصد در خلق انسان رول داشته پنجاه فیصد دیگر مربوط به مایع تناسلی زن است (که حاوی Ovule ) می باشد . (18).

ابن قیم که در قرن 13 می زیست نظریات مشابهی دارد . (19).

Von Baer ( 1829 --- 1838 ) تخم انسان را مشخص نمود . 150 سال بعد Leeuwenhoe برای اولین مرتبه سپرمه انسان را کشف نمود . Benden در سال 1883 ثابت ساخت که سلول های تناسلی نر و ماده یعنی سپرمتوزوئید و Ovule به تعداد مساوی کروموزم برای جنین تهیه میکنند . چقدر شگفت انگیز است که قرآن پاک و آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم بصورت مؤکد بیان کرده اند : اول مرد و زن مساویانه در بوجود آوردن جنین سهم دارند و دوم جنین انسان یک جسم « قبلاً ساخته شده » نیست . ( طوریکه در زمان ارسسطو تصور میشد ) بلکه مرحله به مرحله خلق میگردد.

آفرینش انسان از خاک و تولید مثل او از نطفه :

قرآن کریم در آیات 7 الی 9 سوره سجده می فرماید : (آنکه هر چیز را که آفریده نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرده و سپس نسل او را از نطفه ای از آب بی قدر بمیان آورد \* سپس او را به شکل مناسبی برابر گردانید و در او از روح خود دمید و برای شما گوش ، چشم و دل داد ولی اندک است این

شکریکه میکنید ) . ماء مهین به آب بی قدر ترجمه شده شاید دلیلش آن باشد که این آب از همان راهی که ادارار خارج میشود بیرون می آید .

همچنین قرآن در سوره حج : ۵ می فرماید : ( ای مردم اگر در مورد رستاخیز در شک هستید « چرا درین نمی اندیشید که » بیگمان شما را از خاک آفریدیم \* باز از نطفه \* باز از علقه \* باز از پارچه ای گوشت که بعضی شان خلقت کامل دارند « یعنی دارای اعضای متناسب اند » و بعضی خلقت کامل ندارند « و اعضای شان هنوز غیر متناسب است » تا « قدرت خویش را بشما واضح سازیم » و هر که را بخواهیم تا موعدی معین در رحم ها باقی میگذاریم ، باز شما را بشکل طفلي بیرون می آوریم تا « چون » به سن رسید رسیدید بعضی از شما می میرد و بعضی از شما به بد ترین عمر میرسد تا هیچ ندادند بعد از آنکه میدانست ، و زمین بی برگ و بار را می بینی ، پس چون بر آن آب فرو ریزیم « ناگاه می بینی که » به حرکت می افتد و نمو میکند و در آن انواع روئیدنی های زیبا می روید ) .

موضوع تولید مثل انسان طوریکه در سطور بالا دیدیم از قدیم الایام مورد توجه قرار داشته اما دستخوش نظریات نادرست ، افسانه ها و خرافات گردیده . زیرا دانستن میکانیزم دقیق تولید مثل ایجاد میکند تا معلومات عمیق در مورد تشريح اورگان های تناسلی و فزیولوژیک و تعاملات تناسلی به دست آورده شده و نیز استفاده از میکروسکوپ یکی از شرایط عمدہ آنست . تولید مثل انسانی نتیجه تعاملات متعددی است که در بین حیوانات پستاندار مشترک است . مرحله اول عبارت است از با رورشدن یا القاح سلول تناسلی زن ( Ovule ) توسط سلول تناسلی مرد ( Spermatozoid ) .

دخترنوزاد دارای تقریبا 400000 عدد Ovules میباشد که در بین ( Ovary ) یا تخمدان جا داشته در بین فاصله های دو عادت ماهانه یکی از آن ها پخته شده از تخمدان جدا میشود و هنگام بلوغ تنها 50000 Ovules در تخمدان باقی می ماند این Ovule جدا شده از طریق Fallopian Tube بطرف رحم

حرکت میکند. درین هنگام در صورتیکه بین زن و مرد جماع صورت بگیرد در هر انزال سپرم ( منی ) 200 الی 300 ملیون سلول تناسلی مرد یا Spermatozoid موجود بوده در بین رحم بطرف Ovule حرکت می افتد. بالآخره یکی از آنها موفق میشود خود را به تماس Ovule برساند درین اثناء قسمت علیای سپر متوزوئید از دمش جدا شده داخل Ovule گردیده با هسته آن یکجا میشود و به عباره دیگر آنرا با رورمی سازد و کروموزوم های پدری با کروموزم های مادری با هم جفت میشوند . وقتیکه یک سپرمتوزوئید موفق به بارور کردن Ovule گردید عموما دیگر سپرمتوزوئید ها نمیتوانند داخل شوند و از بین میروند .

سلول تناسلی زن بعد از مرحله بارور شدن بنام Zygote یاد شده فورا به تکثر شروع میکند چنانچه بعد از 24 ساعت دو سلول شده بعد از 40 ساعت 4 سلول و بعد از سه روز به 32 سلول بالغ میشود تکثر در تعداد سلول های تخم ( Zygote ) دوام داشته بعد از 6 روز خود را به جدار رحم رسانیده ابتداء بنام وسپس بنام Blastocyst یا Morula می چسباند و در آنجا آویزان می شود ( علقه ) سپس پلاستنا بوجود آمده مراحل نشونمای اجزای مختلف جنین شروع میشود .

سکس جنین در همان مرحله اول یکجا شدن سپر متوزوئید مرد با Ovule زن یعنی در Zygote مشخص میشود و یکجا شدن کروموزوم های مرد و کروموزوم های زن مسئول این امر میباشد. ( 24 ) و ( 16 ).

طوریکه معلوم است هسته سلول های انسان دارای 46 کروموزوم است که اکثرا بشکل جفت ( جوره ) عرض اندام میکنند . کروموزوم ها عبارت اند از رشته های فنر مانند و بصورت جوره مرکب از مواد کیمیاوی مخصوص . کروموزوم ها حاوی ملیون ها Gene هستند که هر کدام یک خاصیت یا صفت انسان را کنترول میکند از جمله 46 کروموزوم یک جوره آن بنام کروموزوم تناسلی شناخته میشود .

کروموزوم های تناسلی زن همه از نوع X و کروموزوم های تناسلی مرد بعضا از نوع X و بعضا از نوع Y میباشند. (24).

در سلول تناسلی مرد و زن کروموزوم ها بصورت جوره قرار ندارند بلکه بصورت یکه بوده سلول تناسلی مرد دارای یک کروموزوم Y و یا اینکه یک کروموزوم X میباشد در حالیکه سلول تناسلی زن همه کروموزوم های آن از قبیل X است.

اکنون در وقت یکجا شدن سپر متوزوئید مرد با Ovule زن ، هرگاه سپرمتوزوئید از نوع Y باشد جنین پسر خواهد بود و هرگاه سپرمتوزوئید از نوع X باشد نتیجه دختر خواهد بود.

قرآن مجید چنین تذکر میدهد : ( کشته شود این انسان چه چیز او را وادار به کفران نعمت نمود بخود بیندیشد که خداوند او را از چه چیز آفرید ، از قطره ای آب منی آفرید و سرنوشت او را مقدر نمود ) . ( عبس: 17 - 19 ) .

درین مورد کروموزوم ها و زن ها نه تنها خصوصیات جسمی و حالات روحی پدر و مادر بلکه اوصاف بدنه و روانی آباء و اجداد او را در خود محفوظ میدارد. و خصوصیات تزاد های مختلف از قبیل رنگ و قیافه و شکل، زشتی و زیبائی ، بلندی و کوتاهی ، نقص و کمال ، ضعف و قوت و همه و همه در کروموزوم ها ثبت اند. اندازه آدمی ذریعه آن مقدر گردیده چه اندازه ای دقیق که حتی خطوط چهره ، بزرگ و کوچک بودن قد و چشم و لب و جمجمه و همچنین عمر و دیگر مشخصات افراد همگی در نطفه ثبت است.

این ها همه معلوماتی است که در نتیجه تحقیقات علمی عصر جدید بدست آمده اما در قرن هفتم قرآن عظیم بیانات دقیقی درین باره دارد که فهم آن در آن وقت از استعداد بشر بالاتر بود چنانچه در سوره نجم : 45 و 46 میفرماید : ( و براستی « خداوند » (ج) جفت نر و ماده را از نطفه به هنگامی که ریخته میشود بیافرید ) . این دو آیه چهارده قرن قبل به صراحت بیان میدارد که

تشخیص جنس مرد و زن در همان مرحله ای القاح Ovule ذریعه سپرمتوزوئید صورت میگیرد.

در مورد محل پیدایش جهاز تناسلی آیات 9 - 5 سوره الطارق چنین بیان میدارد : (باید انسان فکر کند که از چه آفریده شده است . از قطره ای آب جهنه‌های آفریده شده است که در نتیجه الحق و اقتران ناحیه ای جنسی مرد و نواحی جنسی زن خارج میشود ) . طوریکه قبل از تذکر رفت جنسیت جنین از همان مرحله اول یکجا شدن سلول تناسلی مرد با سلول تناسلی زن مشخص میگردد و اما جهاز های تناسلی مرد و زن در ظرف هشت هفته اول زندگی جنین در رحم مادر بشکل فزیکی شان مشخص نخواهد شد بعباره دیگر تشخیص جنسیت جنین در هشت هفته اول صرف از طریق مطالعه ژینتیک امکان پذیر خواهد بود نه از طریق مشاهدات فزیکی .

محل پیدایش جهاز تناسلی در هفته ششم عرض وجود نموده سپس در هفته هفتم و هشتم به شکل خصیه و یا تخدمان مشخص میشود . تخدمان تا نزدیک محل گرده ها پائین آمده مگر خصیه پائینتر از آن در خارج وجود جاگزین میشود . اما عصب و شریان و مجرای لف مربوط به آنها حتی در انسان بالغ نیز به محلی که در قرآن تذکر رفته (بین تیر پشت و قبرغه ها ) متصل باقی میمانند .

قابل تذکر است که این معلومات عمیق علمی صرف در قرن بیستم کشف گردید در حالیکه قرآن 14 قرن قبل بیانات دقیقی در مورد آن دارد که با ساینس امروز موافقت دارد .

سپرمتوزوئید سلول کوچکی است که سر آن 6 مایکرون قطر و دم آن 60 مایکرون طول دارد . این سلول ها در بیضه مرد تولید شده در بعضی مخازن و حجرات ذخیره شده بالآخره از مجرای دیگری به مجرای ادرار راه مییابند . در طول راه غدوات مخصوصی مایعات معینی ترشح میکنند بشمول ترشحات غده پروستات که با سپرمتوزوئید مخلوط میشوند اما خاصیت بارور کردن ندارند .

قرآن کریم در مورد تولید مثل انسان بیانات دقیق و مشخصی ارائه داشته که به عبارات مختلف و نظر به موارد مختلف در سراسر قرآن تذکر داده شده است.

برای دریافت مفهوم اصلی این آیات دو موضوع بایست مد نظر گرفته شود : اول اینکه تمام آیات متذکره جمع شده باهم یکجا مطالعه شود . دوم مشکل ترجمه باشیست حل گردد . برای فهم معنی آیات البته فهم لسان و ادبیات عربی با تمام معنی ضرورت است اما کافی نیست . مثلا بعضی کلمات عربی دارای چندین معنی مختلف است که اگر یکی از این معانی بجای خود استعمال نشود مفهوم آیه از بین میرود . مثلا کلمه (علقه ) اقلام سه معنی دارد . یکی خون بسته ( لخته ) دوم آویزان و سوم جوک ( حیوان کرم مانندیکه خون دیگر حیوانات بشمول انسان رامی مکد ). چون درسابق مایکروسکوپ و تکنیک های پیشرفته وجود نداشت و جنین در هشت هفته ای عمر خویش به اندازه دو سانتی متر بوده به چشم انسان مانند یک لخته ای خون بمنظیر میرسید ، اکثر مترجمین و مفسرین قرآن (علقه ) را به خون بسته ترجمه کرده اند که نزد علمای امروزی و متخصصین ، نا معقول تلقی میشود . در حالیکه اگر بدومعنی دیگر کلمه توجه میشد به حقیقت نزدیک تر میبود ، زیرا تخم بارور شده ایکه از امتزاج سلول تناسلی مرد و سلول تناسلی زن بوجود آمده در روز ششم در جدار رحم مادر بصورت آویزان می چسبد و از خون مادر تغذیه میشود . همین امر نشان میدهد که برای فهم کلمات و آیات قرآن ، همکاری میان دو گروه ضرورت است ، گروهی که با زبان عربی آشنائی کامل دارند و گروهی که سرو کارشان با معارف علمی است . انسان هیچگاه از مرحله ای خون بسته نمی گذرد ، ترجمه بهتر کلمه علقة این خواهد بود : چیزیکه بند و آویزان میشود ، این ترجمه با مفهوم کلمه و آیات قرآن بهتر می خواند .

قرآن نخست به مراحل پی در پی در جنین در شکم مادر اشاره میکند چنانچه می فرماید : ( خداوند شما را مرحله به مرحله آفرید ). ( نوح : 14 ) . و همچنین

میفرماید : (هان ای انسان چه ترا به پروردگار کریمت فریفته ؟ همانکه ترا بیافرید ، پس راست آوردت پس بیاراست . در هر صورتیکه خواست ترکیبت داد ) . (انفطار: 9-6) .

متن قرآن مخصوصا به نکاتی چند در مورد تولید مثل انسان اشاراتی دارد که ذیلا به آن میپردازیم :

اول : بارور شدن **Ovule** زن : توسط مقدار کوچکی از مایع تناسلی مرد یا سپرم چنانچه خداوند (ج) می فرماید : ( خداوند انسان را از قطره منی «نطفه » بیافرید ) . (نحل: 4) . در آیه 37 سوره قیامه کلمه نطفه با کلمه سپرم «منی» همراه است در این آیه خداوند می فرماید : ( آیا انسان مقدار کمی از منی نبود که ریخته میشد ) . و در سوره مؤمنون آیه 13 خداوند میفرماید : ( آنگاه وی را بصورت نطفه در آرامگاهی استوار جا دادیم ) . این قرار گاه ثابت و مکین جای رشد انسان در رحم مادر است . این مفهوم با آنچه علوم عصری تشخیص داده اند کاملاً مطابقت دارد .  
دوم : ماهیت مایع بارور کننده :

صفات این مایع در قرآن بیان گردیده مانند مایع تراونه و جهنده ( الطارق: 7) . و در سوره مرسلات: 20 خداوند می فرماید : ( مگر ما شما را از آبی خوار و بی مقدار نیافریدیم ؟ ) کلمه خوار و بی مقدار بخارتری گفته شده که مایع مذکور از مخرج دستگاه ادرار به خارج ریخته میشود .

صفت دیگر این مایع مخلوط و آمیخته گفته شده چنانچه آیه 2 سوره دهر می فرماید : ( بیگمان ما انسان را از نطفه ، مخلوط و آمیخته بیافریدیم ) .

نظر به مطالعات علمی و عصری این مایع ( منی یا سپرم ) مرکب از ترشحات گوناگونی است که از غدوات ذیل تراوش میکنند .

1 - بیضه ها : ترشحات غده های تناسلی مرد که سلول های تناسلی بنام سپرم توزوئید در بین آن شناور است .

2 - کیسه های نطفه : این کیسه ها مخزن سپرمتوزوئید اند ترشحات آنها خاصیت بارور کننده ندارد.

3- پروستات مایعی ترشح میکند که دارای بوی مخصوص سپرم است.

4- غدوات Cooper کوپر و میری Mery که مایع سیال و نیز غده ای Littre لیتره که مایع لزج ترشح میکند ، احتمالاً این مخلوط قسمتی از همان امشاج است که قرآن از آن بحث میکند .

قابل تذکر است که قرآن تمام این مایع مخلوط را بارور کننده نمی داند ، بلکه بوضاحت بیان میکند که : (سپس خداوند (ج) نسل او را از جوهرو عصاره آبی خوار و بی مقدار بساخت ) . ( سجده : 8 ) . این عصاره همان سپرمتوزوئید است ولی باید چیزی دیگری را بارور کند تا سلول ابتدائی جنین بوجود آید و این چیز دیگر که مکمل سپرمتوزوئید تلقی میگردد سلولی است که در تخدمان مادر تولید میشود و بنام Ovule یا Ova میشود .

القاح این سلول تناسلی مادر توسط سپرمتوزوئید که سلول تناسلی مرد است باعث بوجود آمدن اولین سلول تشکیل دهنده جنین میشود که بنام Zygote یاد میشود . باین ترتیب در مورد تولید مثل میتوان از نطفه مرد یعنی سپرم یا منی مرد و نطفه زن Ovule نام برد . چنانچه ابن عباس رضی الله عنهم که از جمله مفسرین قرآن شمرده میشود کلمه نطفه الامشاج را مخلوط نطفه مرد و زن تفسیر کرده .

همچنان امام احمد بن حنبل از رسول کریم صلی الله علیه وسلم روایت میکند که روزی یک شخص یهودی از آنحضرت سؤال نمود که ای محمد بمن بگو که انسان از چه خلق گردیده ؟

پیغمبر صلی الله علیه وسلم در جوابش فرمود : ای یهودی ! انسان خلق گردیده از هر دو نطفه مرد و نطفه زن ( 16 ) .

سوم - لانه کردن تخم در جهاز تناسلی زن :

درین مورد آیات متعددی در سوره های مختلف موجود است مثلا در سوره حج : 5 ( و آنچه را میخواهیم تا مدتی معین در رحم ها قرار میدهیم ) . منظور تخم بارور شده انسان است که در روز ششم به جدار رحم به شکل آویزان می چسپد و بعد از آن مراحل بعدی انکشاف جنین شروع میشود . این مرحله بنام علقه یاد شده و پنج بار در قرآن ذکر گردیده است . ( در سوره حج : 5 ، سوره مؤمنون : 14 ، سوره غافر : 76 ، سوره قیامه : 38 ، سوره علق : 2 . )

#### چهارم - تحول و انکشاف جنین در بین رحم :

علوم عصری مخصوصا در قرن بیستم به مطالعات عمیقی درین مورد پرداخته حتی از تحولات جنین در داخل رحم عکاسی و فلم برداری گردیده ، از جانب دیگر آیات قرآنی نیز بیانات دقیقی درین موارد دارد که با نتایج علوم عصری کاملاً منطبق بوده آیات مذکور دارای کوچکترین نکته ای نیستند که مورد انتقاد علم جدید قرار گیرند . قرآن در سوره زمر : 6 چنین می فرماید : ( شما را در درون بدن مادر های تان در دل سه تاریکی صورتی و آفرینشی پس از صورت و آفرینش دیگر میدهد ) مفسران جدید این سه تاریکی را عبارت از داخل شکم ، داخل خود رحم و داخل غشا های جنین می دانند .

سوره مؤمنون : 13 بیان میدارد : ( آنگاه وی را بصورت نطفه در قرار گاهی استوار جا دادیم ) و در آیه 14 همین سوره می خوانیم : ( پس نطفه را بصورت چیزی که بند و آویزان میشود ، ساختیم و آنگاه آنچه را که آویزان میشود پاره گوشتی مانند گوشت جویده شده ساختیم . و گوشت پاره را استخوان ساختیم و بران استخوان ها گوشت تازه پوشانیدیم و آنگاه وی را خلقتی دیگر پدید آوردیم ) .

در سوره حج آیه 5 می خوانیم ( شما را خلق کردیم ..... سپس از چیزی که آویزان میشود و آنگاه از پاره گوشتی تصویر گرفته تمام آفریده و یا تصویر ناگرفته نا تمام .... ) . در جریان نموی جنین بعضی از قسمت های آن متناسب اند و

برخی در مقایسه با وضع بعدی نا متناسب جلوه میکنند . آیا معنی مخلق که به معنی تشكل یافته به اشکال متناسب است همین نیست ؟

طوریکه از فحوای آیات 9 - 7 سوره سجده که قبل از تذکر داده شد معلوم میشود که خداوند آفرینش انسان را از گل آغاز کرد و سپس نسل او را از نطفه ای از آب بی قدر بمیان آورد ، و سپس او را بشکل مناسبی برابر گردانید و در او از روح خود دمید و برای شما گوش و چشم و دل اعطا فرمود ....

ابن قیم و ابن حجر العسقلانی به این نظریه اند که حرکات سلول ها و اعضای بدن جنین قبل از دمیدن روح در بدن او بصورت غیر ارادی ( Vegetative ) بوده بعد از دمیدن روح بصورت ارادی در می آیند . علمای اسلام اسقاط جنین را قبل از این مرحله ، در صورتیکه ضرورت طبی باشد ، اجازه میدهند ولی بعد از آن صرف در حالی جایز میدانند که حیات مادر در خطر باشد .

ابن جریر طبری ( 17 ) ، ابن کثیر ( 18 ) و فخر رازی ( 23 ) به ارتباط آیه 14 سوره مؤمنون که قبل از تذکر داده شد و در آن کلمه ( خلقا آخر ) یعنی پدید آوردن خلقتی دیگر تذکر رفته ، خلقت متذکره را حالتی تفسیر میکنند که بعد از دمیدن روح در بدن جنین بوجود می آید .

در سمپوزیم علمی سال 1986 که از طرف رابطه العالم الاسلامی در مکه مکرمه صورت گرفت یک تعداد متخصصین آمریکولوژی ( جنین شناسی ) نیز سهم گرفته بودند به مذاکره پرداختند منجمله یکی از آنها پروفیسر کیت مور ( Keith More ) متخصص کانادائی که کتابی در مورد تکامل جنین در رحم مادر به نشر رسانیده و کتاب مذکور در امریکا نیز بحصول جایزه موفق گردیده و قتی بعضی آیات قرآنی برای وی توضیح داده شد از قبیل ( انسان خلق شده از یک قطره سپر ) ، ( انسان خلق گردیده از یک مخلوط مایعات ترشح شده مرد و زن ) و همچنین اینکه ( این قطره مخلوط شده بعد از 6 روز در جدار رحم مادر می چسبد و آویزان میشود و بعد از 40 روز به تدریج شکل انسان را بخود میگیرد ) و همچنین اینکه ( جنین در تاریکی سه پرده ای « جدار شکم ،

جدار رحم و جدار پرده ای دور جنین» قرار میگیرد ) . نامبرده تعجب نمود که در حدود 1400 سال قبل که آثاری از معلومات عصری وجود نداشت چطور حضرت محمد صلی الله علیه وسلم توانست این معلومات دقیق را بدسترس مردم قرار دهد . و گفت برای من جای فرحت است که سهم خود را در توضیح معجزه ای قرآن و حدیث به مناسبت آفرینش انسان ابراز نمایم و اظهار نمود که این آیات قرآن وحی خداوند است به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و اینکه آنچه درین اوآخر یعنی چندین قرن بعد از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم انکشافات علمی در زمینه بدست آمده برای من اجازه میدهد که به یقین کامل اعتراف نمایم که حضرت محمد فرستاده ای خدا جل جلاله است .

نا گفته نماند که پروفیسور مور در چاپ سوم کتاب خود یک فصل جدید را تحت عنوان : ( With Islamic Addition ) اضافه نمود که در آن معلوماتی از قرآن و حدیث به ارتباط انکشاف نطفه و جنین در رحم مادر اضافه گردیده ( 5 ) و ( 20 ) .

متخصص دیگر بنام پروفیسور Jely Simson استاد طب نسائی در یونیورستی شیکا گو به آیات 17 و 19 سوره عبس و یکی دو حدیث بیشتر علاقه گرفت . آیات متذکره بیان می دارد : ( کشته شود این انسان که چقدر ناسپاس است اور خداوند از چه آفرید از قطره ای سپرم او را آفرید و به اندازه ای متناسب مشخص ساخت ) امام مسلم از حذیفه بن اسید روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند ( وقتیکه 42 شب از عمر نطفه در بین رحم مادر گذشت ، خداوند ملکی را مؤظف می سازد تا صورت و شنواری و بینائی و جلد و عضلات و اسکلت او را انتظام بخشد .

پس ملک می پرسد این جنین مرد خواهد بود یا زن ؟ پس پروردگارت اراده خود را اظهار نموده و ملک آنرا می نویسد ) .  
نوت : ( اعضای تناسلی جنین چه مرد و چه زن بعد از 42 روز در بین رحم مادر مشخص میگردد ) .

پروفیسور سیمون اظهار داشت که این حدیث بر اساس معلومات متدائله ای آن عصر استوار بوده نمی تواند بلکه ترجمانی از علم خداوند جل جلاله می نماید . بالآخره نامبرده اظهار میدارد که بین معلومات علمی و آیات قرآنی تباینی موجود نبوده و قرآن واقعا کلام الهی است . نامبرده همچنین اظهار داشت من معتقد هستم که آیات قرآنی میتواند راه حرکت ساینتیفیک را رهنمائی نموده مقام اصلی آنرا تعیین نماید تا به عقیده به خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم شهادت بدهد . (5) .

متخصص دیگری که در جریان هفتمنی کانگره ای طبی سعودی با وی مذاکره گردید پروفیسور Marshal Johnson آمر سرویس جراحی و مدیر انسیتیوت Daniel در یونیورستی فلا دیلفیا ، امریکا ، است . حین مصاحبه با نامبرده تذکرداده شد که با اینکه مایکروسکوپ در قرن 16 اختراع گردید ، علمای طب وقت اولا به این عقیده بودند که انسان تنها در بین سپرمتوزوئید خلق میشود .

در قرن 18 با کشف سلول تناسلی Ovule زن نظر دانشمندان تغیر خورد و فکرمنی کرند که خلقت انسان در بین Ovule صورت میگیرد و رول سپرمتوزوئید را نادیده گرفتند . بالآخره در نیمه ای قرن 19 ساینس دانان تازه دانستند که خلق انسان مرحله به مرحله صورت میگیرد وقتی به پروفیسور جانسن گفته شده که قرآن 1400 سال قبل این مراحل را توضیح کرده ، فریاد کشید که نه نه ! ( یعنی که چنین معلوماتی در آن زمان نا ممکن بود ) قرآن با ترجمه بوی داده شد تا خود بخواند .

آیه 13 سوره نوح میفرماید : ( شما را چه شده است که نمیخواهید برای خدا عظمتی قایل شوید در حالیکه شما را به مراحل گونا گونی آفریده ) سپس آیه دیگری بوی ارائه گردید : آیه 6 سوره زمر ( .... شما را درشکم مادران شما به آفرینشی پس از آفرینش دیگر ، هستی میبخشد در میان تاریکی های سه گانه ..... ) قرآن این مراحل را بصورت دقیق توضیح کرده مانند نطفه ، علقه ، مضغه

، نسج استخوان دار و غیره. پس از مصحابه های طولانی بالآخره پروفیسور جانسن اظهار داشت که برای وی راهی باقی نمانده جز اینکه بگوید محمد صلی اللہ علیہ وسلم فرستاده خداست. وی راجع به قرآن گفت : من در برابر عقل و استدلال خود هیچ مشکلی احساس نمی کنم که بگویم : این وحی خداوند (ج) است.

پوست بدن انسان و احساس درد :

در هفتمین کنگره طبی سعودی از پروفیسور Tajata Tajasson متخصص جراحی و آمپریولوژی یونیورستی تایلند در مورد سوختگی پوست سؤال شد. او در جواب گفت : اگر سوختگی زیاد به درجه سوم باشد پوست انگشتان سوخته و اورگانی که حساسیت در آن وجود دارد از بین میرود . بعد از این سؤال و جواب برای دکتور موصوف ترجمه آیه 56 سوره نساء قرائت شد ( آنانی را که آیات ما را تکذیب کردند بزودی در آتش می افگنیم هر باری که پوست بدن شان بسوزد ایشان را به پوست دیگری تبدیل می کنیم تا عذاب را بچشند . حقا که خداوند صاحب قدرت منبع (و) با حکمت است ).

از نامبرده پرسیده شد آیا این آیه این واقعیت را ثابت نمی کند که انجام های اعصابی که در پوست موجود اند عامل احساس درد هستند؟ او گفت این واقعیت را تصدیق میکنم و این نشان دهنده آنست که 1400 سال قبل این واقعیت را قرآن شناخته بود .

باز هم سؤال شد که آیا این معلومات در آن زمان از کدام منبع انسانی دیگر بدست آمده میتوانست، گفت نه هرگز. نامبرده سؤال کرد که شما بگوئید که محمد صلی اللہ علیہ وسلم این معلومات را از کجا بدست آورده است ؟ گفته شد اللہ جل جلاله. گفت اللہ کیست ؟ جواب داده شد قادر مطلق و آفریننده کائنات . پروفیسور مذکور پس از چندین سال

مطالعه در مورد قرآن در هشتاد و نهمین کنگره طبی سعودی حضور بهم رسانید در جلسه عمومی اظهار نمود :

من به این قناعت رسیدم که آنچه ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن تذکر رفته جز حقیقت چیزی دیگری نیست و با وسائل علمی ثابت شده میتواند و ما در مقابل یک رسالتی قرار داریم که از جانب خالق عالم وحی گردیده است و برای من موقع آن رسیده که شهادت بد هم که نیست خدائی مگر الله و محمد رسول اوست (لا اله الا الله و محمد رسول الله) .

پیشینی معجزه آسای آب و هوای سرزمین عربستان :  
از پروفیسور Alferd Croner متخصص ژئولوژی ( U S A ) سؤال شد که آیا در گذشته سرزمین عربستان سرسبز و شاداب و دارای اشجار و باغها و دریاها بوده است ؟ جواب داد : بلى و اضافه نمود که وقتیکه یخچالها در روی زمین حاکمیت داشتند يخ ها از قطب شمال بطرف جنوب در حرکت بوده وقتی به نزدیک عربستان رسیدند تأثیری بر آب و هوای این ساحه وارد نموده موجب سرسبزی و شادابی آن گردیدند . باز از نامبرده سؤال شد که آیا در آینده باز هم این سرسبزی بوجود خواهد آمد ؟ گفت : بلى این یک واقعیت علمی است ، همین اکنون عصر یخچالها شروع گردیده و یکبار دیگر از قطب شمال بطرف جنوب سرازیر شده و بطرف عربستان نزدیک شده میرود . سپس به او گفته شد این اظهارات شما در عصر کشفیات جدیدی است که با استفاده از وسائل علمی و تکنالوژی عصری میسر گردیده در حالیکه ما این را در حدیث حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که ۱۴۰۰ سال قبل گفته است می یابیم که فرموده است : ( روز قیامت نخواهد رسید مگر بعد از آنکه سرزمین عربها دوباره سرسبز و دارای آب های فراوان گردد ) .

نامبرده سؤال کرد کی به محمد صلی الله علیه وسلم معلومات داد که سرزمین عرب ها قبل از سبز و شاداب بوده است ؟ خودش جواب داد رومان ها . باز از او سؤال بعمل آمد کی به محمد صلی الله علیه وسلم معلومات داد که در آینده این سرزمین دوباره سرسبز و شاداب و دارای دریاها میشود ؟ نامبرده اظهار نمود این معلومات نمیتواند بدست آید مگر از طریق وحی از جانب بالا ، زیرا محمد صلی الله علیه وسلم یک مرد صحراوی بود ، امکان ندارد که او معلوماتی در باره ای منبع بوجود آمدن آب و هوا از طریق معلومات متداوله آن عصر بدست آورده باشد . علمای امروز این معلومات را از طریق مطالعات دقیق واستعمال وسایل عصری بدست آورده اند .

مثال دیگری که پروفیسور Alferd Croner را متقادع ساخت تا بپذیرد که قرآن نوشته ای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نیست آیه 30 سوره انبیاء است که میفرماید : ( آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین با هم پیوست بودند و ما آنها را از یک دیگر جدا کردیم و از آب هر چیز زنده را ساختیم . آیا ایمان نمی آورند ؟ ) . نامبرده پس از شنیدن این مطلب اظهار نمود : یک شخصیکه در 1400 سال قبل از امروز ، از فزیک هستوی کاملایی خبر بود ، بنظر من در موقعیت آن نبود که به عقل و دلیل خود کشف کرده بتواند که آسمانها و زمین مبداء مشترک دارند .

همچنین موارد دیگری که طرف مباحثه ماست ، بناء ا تمام مسایلیکه در قرآن در مورد زمین و ساختمان آن و دیگر مسایل علمی تذکریافته حقیقت دارد و گفته میتوانم که کشف همه این حقایق علمی در قرآن برمن تأثیر عمیق گذاشته است .

در مورد آفرینش کائنات :

پروفیسور Youshedi Kozane مدیر رصد خانه توکیو وقتی با معانی آیات قرآنی راجع به جهان Universe معرفت حاصل نمود با تعجب گفت : قرآن به

تمام جهان احاطه دارد و هیچ چیز خارج از آن نماند. وقتی نامبرده از متن آیه 11 سوره فصلت که می فرماید : ( خداوند به آفرینش آسمانها پرداخت در حالیکه دودی بود .... ) حالی گردید عکس هایی را نشان داد که اخیراً توسط تلسکوپ هایی که در سفینه های فضائی تعبیه شده گرفته و ستاره های را نشان میداد که در بین دود کاسمیک تولد می شوند . پروفیسور کوزان گفت : کیهان شناسان عصری تمام توجه خود را بطرف اجسام کوچک سماوی مبذول داشته اند و من از مطالعه آیات

قرآنی می تود جدیدی کشف کردم که عبارت از دید همه جانبه ای جهان است . و این می تود را در ریسرچ آینده خود تطبیق خواهم نمود زیرا آیات قرآنی راه مطالعات آینده را فراهم نموده است .

### حرکت آفتاب، زمین و مهتاب:

Ptolemy که 140 سال قبل از میلاد در اسکندریه زندگی می کرد عقیده داشت که زمین در مرکز سیارات ثابت بوده و آفتاب و دیگر سیارات بدور آن در گردش اند . این نظریه در ظرف بیش از یک و نیم هزار سال در تمام دنیا طرف قبول واقع بود تا بالآخره Copernic در 1543 میلادی نظرداد که زمین و دیگر سیارات بدور آفتاب در گردش اند . به تعقیب آن علمای دیگر مانند Kepler و بالآخره Newton در 1687 آنرا تأیید کردند . خلاصه اینکه در زمان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و حتی تا یک هزار سال بعد از آن نیز تمام علمای استرونومی جهان به این فکر بودند که زمین هموار و ساکت بوده دیگر اجرام سماوی به شمول آفتاب بدور آن می چرخدند .

The طوریکه کشفیات استرونومیک به ما می آموزد که کشان راه شیری Galaxy Milky Way که منظومه شمسی ما در آن قرار دارد در هر 250 میلیون سال یک مرتبه بدور محور خود می چرخد و آفتاب درین حرکت شامل است روی مدار خویش Orbit به سرعت 250 کیلومتری ثانیه معادل 150 مایل فی

ثانیه حرکت دارد . همچنین آفتاب در هر 25 سال یک مرتبه بدور محور خود Axis می‌چرخد ( 6 ) .

ماهتاب در هر 5.29 روز بدور محور خود و هم در مدار خود بدور زمین در حرکت است . این معلومات علمی در اثر انکشافات عصر جدید بدست آمده در حالیکه قرآن 1400 سال قبل آنرا در آیه 33 سوره انبیاء تشریح داده بود . به این ترتیب که : ( و اوست که شب و روز و آفتاب و ماه را آفرید که هر کدام در مداری شنا میکنند ) حقیقتی که درین آیه و بسیاری آیات دیگر توضیح گردید ، نظریه پائین بودن سطح معلومات علمی ( ساینتیک ) در زمان نزول آن فهمیده شده نمیتوانست و بیش از هزار سال را گرفت تا ساینس انکشاф کند و معانی آیات متذکره درک شود . آیا این اعجاز قرآن نیست ؟

قرآن یک نوع حرکت دیگر آفتاب را نیز در آیه 38 سوره یسیین چنین بیان فرموده است : ( آفتاب به جانب قرار گاه خود روان است و این خواست مقدر خدای توانای نیرومند دانا است ) . مطابق این آیه آفتاب بسوی مکان مخصوص خود روان است . این مکان را نجوم جدید بطور کامل معین کرده و حتی نام آنرا نیز ( Apex ) شمسی نهاده که در همسایگی ستاره Vega قرار دارد و سرعت حرکتش درین مورد در حدود 19 کیلومتر فی ثانیه است . یاد آوری این اطلاعات علمی نشان میدهد که آیات مذکور که 14 قرن قبل از امروز نازل گردیده با معلومات امروزی هم آهنگی کامل دارند .

سرعت نور :

حرکت آفتاب و مهتاب و زمین بدور مدارهای شان قرن ها قبل از آنکه ساینس مدرن آنرا کشف نماید در قرآن مجید تذکر داده شده چنانچه آیه 5 سوره یونس چنین توضیح میدهد : ( او کسی است که خورشید را ضیاء ( روشنی ) و قمر را نور قرار داد و برای آن

منزلگاه های مقدر کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید ) و ادامه آیه بیشتر توضیح میدهد که ( خداوند آنرا نیافریده مگر به حق ، خداوند آیات خود را برای آناییکه می فهمند و درک میکنند شرح میدهد ) .

در آیه 33 سوره انبیاء چنین می خوانیم که : ترجمه ( و اوست که شب و روز و خورشید و ماهر آفرید و هر کدام از اینها در مداری در حرکت اند ) .

ماه قمری دو قسم است : یکی ماه ظاهري يا Synodic یعنی از یک هلال تا هلال دیگر که 53.53 روز میشود و برای حساب سالها و وقت از آن کار گرفته میشود . قسم دیگر ماه قمری عبارت است از ماه واقعی يا Sideral که یک دوره ای مکمل حرکت مهتاب روی مدارش بدور زمین را در بر میگیرد و اندازه آن 32.27 روز است این ماه واقعی برای محاسبات علمی مانند حساب سرعت نور در خلا و شاید مسایل دیگری نیز بکار برد شده می تواند . در آیه 5 سوره سجده میخوانیم که : ( خداوند امور این جهان را از مقام قرب خود بسوی زمین تدبیر میکند سپس این امور در ظرف یک روزی بسوی او باز میگردند که مقدار آن هزار سال است از سالهاییکه شما میشمارید . داکتر منصور حسب النبی پروفیسور فزیک کالج اناس یونیورستی عین شمس ( کالج دختران پوهنتون عین شمس ) هیلیوپولیس ، قاهره در اینجا امر را به مسایل Space و سرعت حرکت آنرا بلند ترین سرعت یعنی سرعت نور و سرعت الکترومگنیتیک تعبیر نموده چنین نتیجه گیری میکند که این امور بسوی خداوند به سرعتی عروج میکند که دریک روز همان فاصله ای را طی میکنند که بحساب شما معادل فاصله ایست که مهتاب در مدت یک هزار سال یعنی دوازده هزار ماه ( Sideral ) طی میکند .

داکتر منصور حسب ، با استفاده از آیات فوق الذکر قرآن مجید و با در نظر گرفتن فرضیه نسبیه اشتین 1917 و سنجش حرکت ظاهري و حرکت واقعی مهتاب بدور زمین توسط یکتعداد معادلات ریاضی موفق گردید سرعت نور در خلاء را محاسبه نماید چنانچه به اساس این محاسبه وی سرعت نور در خلاء

( 5. 299792 ) کیلومتر فی ثانیه تثبیت گریده که با سنجش های علمی بین المللی که از طرق دیگر صورت گرفته بکلی همنوا است چنانچه سرعت نور طبق : ( US National Bureau of Standard ) معادل است به 4574 . ( British National Physical Laboratory ) معادل 299792 و به اساس ( 4590. 299792 ) کیلومتر فی ثانیه .

طوریکه دیده شد آیات فوق الذکر قرآن از یکطرف حرکت آفتاب ، مهتاب و زمین را واز جانب دیگر امکانات سنجش های علمی را قرن ها قبل از آنکه علوم عصری آنرا کشف نماید توضیح داده که این خود از اعجاز قرآن بشمار میرود .

کرویت و حرکت زمین :

کرویت زمین پدیده ایست که در قرن 16 و 17 عیسیوی کشف و مطالعات و عکس های که از اقمار مصنوعی در اخیر قرن 20 بدست آمده آنرا واضح تر ساخته است . اما قرآن کرویت زمین را هزار سال قبل از این نظریات و انکشافات بیان کرده بود . در آیه 5 سوره زمر چنین می خوانیم : ( خداوند شب را بروز می پیچاند و روز را به شب می پیچاند .... ) در این آیه کلمه تکویر ذکر گردیده که در لغت عرب برای پیچانیدن مانند پیچانیدن دستار بدور سر استعمال میشود .

آیه 30 سوره النازعات نیز اشاره های در مورد کرویت زمین دارد بدین معنی که ( بر علاوه زمین را بگردش درآورد ) .

بعضی مفسرین دحا را گسترانید تفسیر کرده اند . اما محقق سید هبت الدین شهرستانی در « الهیئت والاسلام » ( دحو ) را به گردش دورا دور ترجمه کرده و گفته است ( دحو ) گردشی است که چیزی ضمن گردش بدور خود بدور محور دیگری نیز بچرخد و حرکت کند و این معنی کاملا مبین کیفیت گردش زمین است که مطابق اکتشافات جدید و از معجزات علمی قرآن محسوب میشود . زیرا اگر زمین کروی نباشد مفهوم پیچانیدن شب بروز و روز به شب

تحقیق پیدا نمیکند . پس آیه کریمه بخوبی و بصراحت کرویت زمین را بیان نموده است.(2).

گردش و حرکت زمین از آیه مبارکه 88 سوره نمل بخوبی استفاده میگردد ، خداوند عزوجل میفرماید : ( و کوه ها را می بینی و می پنداشی که آنها ساکن و بی حرکت اند در حالیکه کوه ها مانند ابر ها سیر میکنند و در حرکت هستند ) . تشبیه حرکت کوه ها به ابرها ازین جهت است که ابرها بقوت خود نه بلکه به تحریک باد حرکت میکنند ، همچنان کوه ها که بر زمین میخ شده اند به تنهائی خود سیر و حرکت نمی کنند بلکه با گردش و حرکت زمین سیر و گردش می نمایند . (37).

فضانوردان امریکائی که از داخل سفینه ای فضائی خویش زمین را از فاصله دور مشاهده و عکاسی کرده اند دیدند که در عرصه 24 ساعت گردش زمین بدور محورش نیم کره زمین که بطرف آفتاب است روشن یعنی روز است و در همین وقت نصف دیگر کره زمین تاریک یعنی شب است طوریکه در ظرف 24 ساعت تمام نقاط کره زمین بتدریج تاریک شده میرود در حالیکه نصف دیگر آن روشن شده میرود . و این تکویر و پیچانیدن صورت گرفته نمی تواند مگر اینکه زمین کروی باشد .

گویا قرآن 1400 سال قبل کروی بودن زمین را بیان کرده بود اما عقل بشر هزار سال دیگر گرفت تا انکشاف نموده حقیقت آنرا به کمک ساینس و تکنالوژی عمل درک نماید . آیا این معجزه قرآن نیست ؟ چنانچه قرآن در سوره ص: 87 و 88 میفرماید :

( نیست این قرآن مگر پند برای همه جهانیان و بیگمان شما به حقیقت آن بعد از مدتی پی می بردید ) .

مثالهای آیات قرآنی که در گذشته ها معنی واقعی آن درست فهمیده نشده بود و به مرور زمان با انکشاف دماغ انسان و پیشرفت علوم عصری معانی اصلی آن درک گردیده خیلی زیاد است که شرح همه ای آنها از حوصله این عاجز بالاتر

است لذا به همینقدر اکتفا میشود . ناگفته نماند که انکشافات علوم عصری و نظریه های علمی هر چه باشد به مرور زمان تحول پذیر است اما آیات قرآنی ثابت و تغیر ناپذیر است منتهی برداشت از آن بقدر طاقت و توان علمی انسان در هر عصر و زمان فرق میکند . البته توان علمی شامل علوم دینی قدیم و علوم و تکنالوژی عصری می باشد که بدون آنها فهم و ادراک واقعی معانی قرآن میسر نیست .

### اختلاط آب شور و آب شرین :

تلاقی آب های شور و شیرین در دلتا های دریا های بزرگ دنیا مانند دریای مسی سی پی، دریای یانگ تسه، دریای نیل دریای دجله و فرات و تلاقی آب های دارای خواص طبیعی و کیمیاوی متفاوت در موضع دیگر مانند خلیج عقبه و بحیره ای احمر یا بحیره مدیترانه و اوقيانوس اطلس صورت میگیرد . درجه حرارت، مقدارنمک های منحل در آب و غلظت و غیره خواص این آب ها از هم فرق داشته حیوانات و نباتاتی که در آنها زندگی و نمو می کنند نیز خیلی فرق دارند . طوریکه مشاهده گردیده این آب ها در نقطه تلاقی با هم مزج نمیشوند بلکه به تدریج تا فاصله های دور از نقطه تلاقی با هم مخلوط میشوند . چنانچه هئیت مشترکی از یونیورستی کامبریج و یونیورستی مصر برای تحقیق در اعماق بحیره احمر و اوقيانوس هند مطالعاتی انجام دادند و دریافتند که بین خلیج عقبه و بحیره احمر حاجزی به ارتفاع زیاد وجود دارد و همچنین دریافتند که خواص طبیعی و کیمیاوی خلیج عقبه و بحیره احمر متفاوت است . به ارتباط این مسایل در آیات 19 و 20 سوره الرحمن چنین می خوانیم : ( خداوند دو دریا را در کنار هم جریان داده بهم آمیخت میان آن دو برزخی است که بهم تجاوز نمی کنند .... ) و اما این حاجز به چشم دیده شده نمیتواند . اولین عکسی که توسط آلات تکنیکی از آنها گرفته شده در سال 1942 بود . عکس هایکه از ستلایت Satellite گرفته شده واضح ساخت که

بحیره مدیترانه وقتی در قسمت جبل الطارق با بحر اطلسیک که دارای خواص طبیعی و کیمیاوی مختلف است متلاطی میشود در بین آنها یک حاصل به شکل مایل بوجود می آید که از طریق آن آب مدیترانه در حالیکه با آب بحر اطلسیک مخلوط شده میرود به تدریج خاصیت خود را از دست میدهد . این حاصل به چشم دیده نمیشود صرف آلات پیشرفته ذریعه ستایلیت آنرا دیده میتوانند این معجزه دیگر قرآن است که پس از 1400 سال کشف گردید و هیچ انسانی در آن زمان قادر به درک آن نبود .

پروفیسور Heiye او سیانو گراف مشهور امریکائی که گفته بود این تفاوت های فزیکی و کیمیاوی و غیره در بین آب های شور و شیرین یک واقعیت است اما بچشم دیده نمیشود ، وقتی از متن آیه مبارکه فوق با خبر شد اظهار نمود : من فکر میکنم که این موضوع جز وحی خداوندی چیزی دیگری نمیتواند باشد و برخورد با چنین بیانات قرآنی مرا تحت تأثیر عمیق قرار داده است . (5)

کوه ها بحیث میخ زمین :

مطالعات اخیر نشان میدهد که زمین در حدود 12 هزار کیلومتر قطر داشته مرکز آن را موادی که بحالت ذوبان قرار دارند تشکیل میدهد قشر خارجی زمین که کمتر از یک فیصد شعاع زمین را تشکیل میدهد سرد بوده دارای ضخامت چند کیلومتر ( وحد اکثر چندین ده کیلومتر ) میباشد . ضمن تحولات قشر زمین در قسمت های از این قشر مواد گداخته شده داخلی زمین بیرون قشر آمده باعث بروز چین خوردگی های در سطح آن میشود که پستی و بلندی ها و کوه ها از آن بوجود می آیند متناسب به هر برجستگی ایکه در سطح زمین ظاهر می شود در عمق زمین یک فرورفتگی ایجاد میشود که بنوبه خود در حفظ ثبات کوه ها کمک میکند اگر کوه ها تکیه گاهی برای قطعات قشر زمین نباشند سطح زمین دائم در اثر فشار مواد منفجره از داخل زمین در

حرکت و اضطراب می افتد و موجب زلزله های پی در پی میشود . موجودیت این کوه ها بحیث میخ های محکم سطح زمین را نسبتاً آرام نگه میدارد .

در مورد کوه ها آیات متعددی در قرآن موجود است که بعضی از آنها را تذکر می دهیم :

در آیات 19 و 20 سوره غاشیه خداوند کافران را متوجه میسازد که به این پدیده ها توجه کنند : ( و به کوه ها نمی نگرند که چسان در زمین نصب و استوار گشته اند و به زمین نمی نگرند که چگونه گسترده شده است ) . در اینجا از مفهوم ریشه و پایه ایکه در داخل زمین است بروشنى از متن استنباط میشود . آیات 6 و 7 سوره نبأ چنین بیان میدارد : ( آیا زمین را مهد آسایش و کوه هارا میخ های نگهبان آن نگردانیدم ) . آیه 32 سوره نازعات بیان میدارد : ( و کوه هارا النگر زمین داشت ) و در سوره لقمان آیه 10 می خوانیم : ( ..... و خداوند کوه ها را بسان لنگر هایی در زمین افگند تا زمین شما را نلرزاند ..... ) . آیات فوق و همچنین آیات دیگری درین مورد بیان کننده آنند که نحوه استقرار کوه ها به ثبات زمین مساعدت میکند و این نکته با معلومات زمین شناسی امروز کاملاً مطابقت دارد .

پروفیسور Siaouida متخصص مشهور ژئولوژی بحری جاپان کوه ها به دو دسته تقسیم نموده : کوه های زمینی و کوه های بحری . این هر دو دارای خواص مختلف بوده اما یک وجه مشترک دارند و آن اینکه هر دو دارای ریشه عمیق اند که در زمین فرو رفته طبق پرنسیپ Archimides قسمتی که درین مواد مایع و در حال ذوبان زمین جا دارد بحیث زیر بنای قسمت فوکانی که کوه را تشکیل میدهد اجرای وظیفه می نماید .

رئیس اکادمی ساینس آمریکا و مشاور علمی رئیس جمهور Frank Press جیمی کارترا ، ضمن ارائه رسم ها در صفحات 413 و 488 اثر خویش ثابت میسازد که کوه بشکل یک پایه است چیزی که معلوم میشود یک قسمت کوچک آنست ، متباقی در اعماق زمین فرورفته و در صفحه 435 می نویسد :

کوه ها یک رول عمدہ در ثابت نگهداشتن قشر زمین دارند و این چیزیست که قرآن در 1400 سال قبل بیان داشته.

وقتی در مورد آیات قرآنی به مناسبت کوه ها از پروفیسور Siaouida بعمل آمد که در باره این کشفیات اسرار زمین که درین اوآخر صورت گرفته اما قرآن آنر 14 قرن قبل توضیح داده چه میگویید ؟ اظهار داشت من گیج شده ام فکر میکنم شما واقعیت را میگویید .

نزول آهن در زمین :

آهن پنج فیصد قشر زمین را تشکیل میدهد اما از نگاه جرم ( Mass ) به اندازه 34.6 فیصد در مرکز زمین موجود است.

( 24 ) . عناصری که در زمین موجود اند همه در اثر تعامل ذرات کوچکی از قبیل الکترون ها ، پروتون ها و غیره بوجود آمده اند . برای اینکه این تعاملات صورت بگیرد هر کدام به مقداری انرژی ضرورت دارند تا یک اтом همان عنصر را بوجود آورند . طوری که تخمین گردیده مقدار انرژی ایکه برای ساختن یک اтом آهن لازم است به اندازه چهار برابر تمام انرژی منظومه شمسی است لذا امکانات تولید آهن در زمین موجود نیست و بایست از خارج منظومه شمسی آورده شده باشد .

این نظریه علمی توسط پروفیسور Armstrong استرونوت مشهور مؤسسه تحقیقات فضائی N A S A ارائه گردید . قرآن کریم در سوره حديد آیه 25 چنین توضیح میدهد : ( واقعا پیامبران خود را با نشانه های واضح فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به تأمین عدالت بپردازند . آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است و منافعی برای مردم ، تا خداوند معلوم کند چه کسی او و پیامبران او را در غیب یاری میکند ، حقا که خداوند توانا و صاحب قدرت منیع است ) .

آهن مفید ترین فلزی است که انسان کشف کرده و از آن در جنگ و صلح هر دو کار گرفته میشود . آهن نشانه ای قدرت ، قوت و نظم و نسق و تعزیراتی پنداشته میشود که قانون وضع میکند . صنایع آهن و پولاد همچنین اساس سعادت و قدرت ملل معاصر را تشکیل میدهد ولی مع الاسف گاهی اوقات از آن برای تباہی و بدبختی ملت ها هم استفاده میشود . از آیه مبارکه فوق چنین استنباط میشود که آهن در روی زمین تولید نشده بلکه نازل گردیده .

در زمان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم چنین معلومات علمی در دسترس بشر نبود که آهن در روی زمین تولید شده نمیتواند . این نیز یکی از اعجاز علمی قرآن کریم است که حقایق علمی را پیشگوئی میکند . وقتی از متخصص نامبرده درمورد آیه متذکره فوق سؤال شد وی اظهار نمود که از وقتی که با این آیت آشنا شده خیلی متعجب است که چنین اظہارات در 1400 سال قبل در نتیجه تحقیقات علمی صورت نگرفته و از منبعی نشأت کرده که از فهم وی بالاتر است . اما منحیت یک متخصص وظیفه خود میداند که در مورد کتب مقدسه بی طرفی خود را حفظ نماید . (5) .

کلمه انزلنا از نگاه متن خود چنین تعبیر میشود که بدسترس مردم گذاشته شد اما از نگاه تحت اللفظی چنین معنی میدهد که از آسمان فرستادیم در اینصورت این آیه یکی از اعجاز علمی قرآن کریم شمرده میشود .

طبق کشفیات استرونومی معاصر آهن نه تنها در روی زمین بلکه در آفتاب نیز از دیگر جا انتقال یافته است . (34) . درجه حرارت سطح آفتاب که شش هزار درجه سلسیوس و درجه حرارت جسم آفتاب که بیست میلیون درجه سلسیوس تخمین گردیده برای ساخت آهن نا کافی است . بلکه آهن در ستاره های بزرگتر از آفتاب که درجه ای حرارت شان چندین صد میلیون درجه سلسیوس می باشد ساخته شده .

وقتی درجه حرارت ستاره ها از یک حد معین زیادتر میشود آن ستاره به شکل سوپرنوا ( Supernova ) منفجر میشود و این انفجار باعث آن میشود تا آهن

به کیهان (Space) پراگنده شود . (34) . موجودیت (Fe - 60) که یک ایزوتوپ رادیو اکتیف آهن است در لایه های تر سبات اعماق ابحار نشانه آن شمرده شده میتواند که یک انفجار سوپرنووا در فاصله نود سال نوری از آفتاب پنج میلیون سال قبل صورت گرفته و مواد منفجره بصورت گرد بزمین منتقل گردیده است . (35).

آنچه در فوق تذکر داده شد نشان میدهد که آهن در زمین ساخته نشده حتی در آفتاب و غیره نقاط نظام شمسی نیز ساخته نشده بلکه در سوپرنووا های دورتری که در کیهان صورت گرفته ساخته شده و بزمین انتقال یافته . این موضوع البته در قرن هفتم یعنی زمان زندگی حضرت محمد صلی الله علیه سلم قابل درک انسان ها نبود بلکه در اخیر قرن بیستم در اثر پیشرفت علوم استروفیزیک کشف گردیده اما خداوند متعال به علم قدیم خود میدانست و آنرا در قرآن مجید تذکر داد (34).

قرآن کریم اهمیت آهن را در زندگانی و تمدن بشر خیلی برجسته نشان میدهد مایکل ونتون میکروبیولوژیست مشهور در کتاب خویش بنام ( سرنوشت طبیعت ) اهمیت آهن را بصورت مشرح بیان نموده . (36).

از جمله تمام فلزات، هیچکدام در حیات انسان و حیوان بیشتر از آهن اهمیت ندارد . جمع شدن آهن در مرکز ستاره ها باعث تولید انفجار سوپرنووا و پراگنده شدن اتون های مهم برای حیات، در سراسر کیهان میشود . اتون های آهن در اثر قوه جاذبه در مرکز زمین ابتدائی جمع شده باعث بروز حرارت زیاد و بالاخر باعث تولید مواد متفرقه کیمیاوى زمین گردیده و همچنین باعث تولید اتموسفر و هایdro سفر نیز گردیده است.

موجودیت آهن در مرکز زمین بحیث یک داینومی خیلی قوی باعث تولید میدان مقناطیسی زمین گردیده که به نوبه خود کمریند تشعشعات Van Allen را بوجود آورده که سطح زمین را در مقابل تشعشعات خطر ناک

کیهانی و همچنین اوizon را از تخریبی که در اثر تشعشعات صورت میگیرد محافظه میکند.

بدون موجودیت اтом آهن، زندگی که به اساس کاربن صورت گرفته، موجود شده نمیتواند. همچنین بوجود آمدن سوپرنووا و گرم شدن زمین تشکل اتموسفر و هیدروسفر صورت نمی گیرد. و نیز بدون اтом های آهن نه میدان محافظه مقناطیسی نه کمربند تشعشعات Van Allen نه لایه اوizon، نه فلزی که باعث تولید هموگلوبین (در خون انسان) شود، نه میتابولیسم اوکسیداتیف صورت خواهد گرفت. ارتباط پیچیده و خیلی نزدیک بین آهن و حیات، بین رنگ سرخ خون و حالت موت بعضی ستاره های دور دست، نه تنها ارتباط فلز با بیولوژی بلکه Biocentrivity کیهان را نیز واضح می سازد.

اهمیت زیادی در قرآن مجید برای آهن داده شده منجمله اینکه سوره الحدید (آهن) سوره نمبر 57 قرآن بوده و اگر نمبر های حروف کلمه الحدید را از نگاه ابجد با هم جمع نمائیم نتیجه 57 میشود. از طرف دیگر در صورتیکه نمبر های حروف کلمه حدید را از نگاه ابجد با هم جمع نمائیم نتیجه 26 میشود که نمبر اتو میک آهن نیز است. علاوه برینها آیرن اوکساید در Charity Hospital در المان برای تخریب سلول های سرطان موفقانه بکار برده شده. (36).

### نشان انگشت:

خطوط سرانگشتان انسان ها از آغاز آفرینش با همدیگر شبیه نبوده از همین سبب است که در ادارات عامه نشان انگشت یکی از مهمترین علامه فارقه پنداشته میشود. چیزی که در هر انسان نسبت به انسان دیگر از اصل آفرینش فرق دارد، خداوند آفریننده آن قادر است که در آخرت، آن را بحال اول آن دوباره درآورد با تمام لطافت ها و ریزه کاری آن مجددا بیافریند.

آیات 3 و 4 سوره قیامه درین مورد می فرماید : ( آیا انسان می پندارد که استخوان های او را دوباره جمع نخواهیم کرد ؟ آری قادریم به اینکه حتی سر انگشتان او را به شکل اول آن برابر کنیم ).

مفکوره نشان انگشت را که ما درین عصر بحیث علامه فارقه تشخیص هویت اشخاص استفاده می کنیم ، آیا اینکه 1400 سال قبل در قرآن به اهمیت آن اشاره شده یک امر تصادفی پنداشته شده میتواند ؟ در حالیکه در آن زمان استفاده از نشان انگشت معمول نبوده ، این موضوع نیز از جمله اعجاز قرآن بشمار میرود .

پائین ترین نقطه روی زمین :

در سوره روم آیات : 2 و 3 خداوند (ج) چنین بیان میدارد : ( رومیان مغلوب شدند در سرزمین نزدیک یا (پست ) و ایشان بعد از مغلوبیت بزوی غلبه خواهند کرد ) . منظور از رومیان امپراطوری روم شرقی بود که در جنگ با امپراطوری فارس شکست خورد و بعد از چند سال محدودی دوباره غالب گردید . این جنگ در حوالی سوریه و فلسطین واقع گردید ، کلمه ادنی درین آیه هم پست و هم نزدیک معنی میدهد .

پروفیسور Palmaire یکی از زئولوژیست های برازنده امریکائی بود که در کنفرانس اسلامی عربستان سعودی دعوت شده بود . وقتی بوی گفته شد که بر اساس محتویات قرآن آیه یک و دوی سوره الروم پائین ترین نقطه روی زمین در نزدیکی بیت المقدس است فریاد کشید که چنین نیست ! بلکه چندین نقطه دیگر پائینتر « پست تر » از آن منطقه وجود دارد . اما وقتی نقشه کره زمین را در دست گرفت و تعمق نمود اعتراف کرد که بلی پست ترین نقطه جهان در نزدیکی بیت المقدس است آنجا که جنگ میان فارس و روم صورت گرفت . پروفیسور Palmaire تعجب کرد که قرآن از یک طرف مسائل

گذشته را بیان میکند و اینکه چگونه آفرینش زمین شروع گردید ، چطور آفرینش آسمان‌ها صورت گرفت، چطور نباتات بوجود آمدند.

قرآن واقعی سطح زمین، کوه‌ها و مراحل بوجود آمدن زمین را توضیح کرده و از جانب دیگر موضوعات آینده را پیش‌بینی میکند.

با شناخت سویه علمی مردم در زمان وحی قرآن، هیچ تردیدی نیست علومی که در قرآن موجود است روشنی علم خداوندی است که به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل فرموده که ما درین اوخر در عصر پیشرفت تمدن بشریت کشف کرده‌ایم. (۵).

### ماجرای غرق شدن فرعون:

منظور از این فرعون، فرعونی است که در زمان حضرت موسی (ع) در مصر حکمرانی داشت. فرعونیکه حضرت موسی در طفویلیت بخانه وی پرورش یافت رامسیس دوم نام داشت، او شخص نهایت ظالم بوده شهرهای بزرگی را بзор و جبر توسط مردمان بنی اسرائیل که در مصر بحال بردگی زندگی میکردند آباد نمود پس از فوت او پرسش بنام منپتاخ Merneptah به مقام پدر رسید.

حضرت موسی (ع) به اراده و کمک پروردگار عالم موفق شد مردم بنی اسرائیل را از بردگی فرعونیان آزاد ساخته احتمالاً در زمان همین فرعون یعنی منپتاخ از بحیره سرخ بساحل امن رسانید به گواهی آیات 90 الی 92 سوره یونس، خداوند بنی اسرائیل را از بحر (دریا) گذشتاند. در این موقع امر خداوند باعث آن گردید تا آب از هم جدا گردیده در بین آن معبری بوجود آید تا بنی اسرائیل از آن بگذرد وقتی آنان به ساحل دیگر رسیدند فرعون که با قشون خود به تعقیب آنها میشتابفت وی نیز داخل معبر گردید ، اما قبل از آنکه به ساحل دیگر برسد آب دوباره بهم وصل گردیده فرعون و قشونش را غرق نمود چنانچه قرآن کریم بیان میدارد.

در سوره یونس آیات : 90 الی 92 می خوانیم : ( بنی اسرائیل را از بحر گذرانیدیم سپس فرعون و لشکریانش به قصد ظلم و تعدی ایشان را تعقیب کردند تا چون غرقاب او را گرفت . گفت :

ایمان آوردم به اینکه جز ذاتی که به او بنی اسرائیل ایمان آورده اند معبدی نیست و من از مسلمانانم « باو گفته شد » حالا ایمان می آوری ؟ در حالیکه پیش از این عصیان کردی و از مفسدان بودی امروز ترا به بدننت نجات میدهیم تا برا ای آیندگان نشانه ای باشی . و بدون شک بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند ) .

این دعای فرعون که گویا به خداوند یکتا و خداوند واقعی ایمان آورده دعائی است در حال احتضار که چون انسان از همه چیز نا امید میشود و او را ترس مرگ فرا میگیرد به آن متولی میشود ولی خداوند چنین دعا را مورد قبول قرار نمی دهد و توبه انسان به وقتی که نفس به گلو برسد و در حال نزع باشد پذیرفته نمیشود زیرا این توبه در واقع توبه جبری است و قابل قبول خداوند نمیگردد . جسد فرعون نجات یافت تا اخلاف او از این نشانه ای لجاجت و تکبر پنDBگیرند . طوریکه معلوم است جسد مو میائی شده فرعون پس از مرور تقریبا 3200 سال در 1898 در مصر کشف گردید و به شهر قاهره انتقال داده شد .

اليوت سمیت Smith بتاریخ 8 جولای 1907 پارچه های دورا دور مو میائی را باز کرده در کتاب خود بنام مو میائی های سلطنتی ( 1912 ) بررسی جسد مذکور را تشريح نمود در سال 1975 داکتر موریس بیوکای موفق شد از طرف مقامات مصری اجازه یابد تا به همکاری متخصصین مصری به تحقیقات مزیدی روی جسد مذکور بپردازد این جسد مربوط به همان فرعونی است که موسی ( ع ) را ملاقات کرده در برابر تقاضای وی مقاومت کرده وی را در هنگام هجرتش تعقیب نموده بالاخره غرق گردید و

مطابق توضیح قرآن بصورت نشانه ای برای آدمیزادگان در آمد و این نشانه دیگری است از اعجاز قرآن.

علایم نزدیک شدن قیامت:

علایم نزدیک شدن قیامت بدو دسته تقسیم میشوند : علایم کوچک و علایم بزرگ ( 30 ). از جمله علایم بزرگ یکتعداد آن به ارتباط کائنات صورت میگیرد که به شرح بعضی از آنها ذیلا میپردازیم :

الف : طلوع آفتاب از مغرب : ساینس بما می آموزاند که از روز آفرینش تا امروز زمین بدور محور خود به سمت مخالف عقرب ساعت می چرخد و طوری معلوم میشود که آفتاب از مشرق طلوع میکند . در ابتدا حرکت زمین بدور محورش خیلی سریع بوده و هر چهار ساعت یک دور را تکمیل میکرد اما بمرور زمان این حرکت بتدریج در اثر اصطکاک جاذبه آفتاب آهسته تر گردیده امروز زمین در ظرف 24 ساعت و 56 دقیقه و 4 ثانیه یک مراتبه بدور محور خود میچرخد اما این حرکت زمین هنوز هم روز بروز آهسته تر شده نمیتواند بیشتر از میرسد که چرخش زمین با در نظر داشت جرم « Mass » آن نمیتواند بیشتر از آن سیست تر شود درین صورت است که زمین مانند یک فنر رفتاری کند . یعنی وقتی یک فنر را به یک سمت تاب دهید ( مثلا فنر یک ساعت ) تا یک اندازه تاب میخورد اما وقتی میرسد که دیگر تاب خورده نمیتواند و به شکل اتوماتیک به سمت مخالف دور می خورد .

زمین عین همین عمل را اجرا میکند یعنی بعد از آنکه حرکت آن بدور محورش به سمت مخالف عقرب ساعت به حد اخیر رسید سمت حرکت آن تغیر و به سمت عقرب ساعت بحرکت می افتد و درین وقت است که چنان معلوم میشود که گویا آفتاب از مغرب طلوع میکند .

حدیفه بن یمان از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکند وقتی که روز قیامت میرسد مردم وقتی که شب را سپری میکنند ملاحظه میکنند که هنوز هم شب تکمیل نشده . ترسی ایشان را فرا میگیرد و می بینند که آفتاب طلوع نمیکند تا اینکه دو شب پی در پی بوقوع می پیوندد بعد آفتاب طلوع میکند اما این دفعه از طرف مغرب . چنانچه دیدیم حدیث شریف حضرت رسول مقبول صلی الله علیه وسلم با واقعیت پیش بینی ساینس به ارتباط حرکت زمین مطابقت دارد.

ب- نشانه ای دیگر : زمین توسط دود احاطه میشود :

طوریکه علمای ساینس کشف نموده اند زمین شش میلیون سال قبل با یک سنگ آسمانی بزرگ « Meteorite » تصادم نمود که در اثر آن قسمت اعظم نباتات و حیوانات روی زمین از بین رفت در اثر این تصادم دود و خاکستر غلیظی ماه ها یا سال ها فضای زمین را احاطه نمود در اثر نرسیدن نور خورشید و کمبود آكسجين و همچنین سردی هوا قسمت عمده زنده جان ها جان خود را از دست دادند . طوریکه استرونوم ها پیش بینی می کنند همچنان یک سنگ آسمانی Metorite دیگری بسمت زمین در حرکت است که گفته میشود در سال 2126 به زمین خواهد رسید . ساینس دانان شب و روز فعالیت دارند تا به نوعی از انواع سمت حرکت آنرا انحراف دهند تا از تصادم آن با زمین جلوگیری بعمل آید . اینکه این مساعی مشمرتمری خواهد بود یا نه معلوم نیست اما مفکوره اینکه چنان حادثه ای با زهم بوقوع پیوسته تصادف بزرگی در اثر تصادم کدام سنگ بزرگ آسمانی صورت گیرد امکان پذیر است . قرآن کریم در سوره ( دخان : 10 و 11 ) وقوع این حادثه را چنین توضیح میدهد : ( نگاه کن روزیکه آسمان دود واضحی پدید می آورد ترس همه مردم را فرا میگیرد این عذاب در دنا کی است .).

ج- شق شدن قمر « مهتاب » :

علمای ساینس اظهار میدارند که حرکت زمین و حرکت مهتاب با هم طوری در ارتباط اند که سرعت حرکت دورانی زمین روز بروز سست تر شده میرود در حالیکه سرعت حرکت مهتاب بیشتر میشود در عین زمان مهتاب به زمین نزدیک تر شده میرود تا وقتی که قوه جاذبه Gravitation زمین به هر دو نصف مهتاب کشش مساوی وارد سازد. درین اثنا هر دو نصف مهتاب از هم جدا می شود. این است توضیح شق شدن مهتاب در آخر زمان از نگاه علم ساینس. (26).

در قرآن کریم در سوره قمر: ۱ می خوانیم که: (نزدیک شد قیامت و مهتاب شق گردید). اینکه چرا این واقعه به شکل ماضی گفته شده تاکید بوقوع واقعه است و صیغه ماضی دلالت به انجام یک امر میکند که در آن هیچ نوع شک باقی نمی ماند. طوریکه از آیات دیگر مربوط به نزدیک شدن قیامت پیدا است ختم دنیا با دگرگونی های بزرگی در نظام کائنات توأم میباشد.

#### د- وقوع زلزله های عظیم:

قرآن مجید به ارتباط روز قیامت در سوره های متعددی از زلزله های عظیمی خبر داده که زندگی در روی زمین را خاتمه بخشیده پدیده ای نوینی را بوجود می آورد که آن روز قیامت و محاسبه اعمال خوب و بد و مکافات و مجازات است. چنانچه در سوره زلزال: ۱ می خوانیم که: (وقتیکه زمین به همان زلزله ای شدید خود در انداخته میشود). این جنبش و تکان که قیامت را روی کار می آورد، از هر نوع زلزله ای روی زمین بسیار قویتر است ولی زلزله های سهمگین و خطرناکی که تا امروز بروی زمین اتفاق افتاده و نارامی های مشقت باری را که قربانیان یک زلزله قوی متحمل میشوند که یک مثال آن زلزله اخیر تسونامی بحر هند و جزایر سوماترا و اخیرا زلزله کشمیر است به مقایسه با حالت عجیبی که در روز قیامت مشاهده میشود ناچیز است.

پیغمبر آخر الزمان صلی اللہ علیہ وسلم از سه زلزله مهیب خبر داده که یکی در مرکز، یکی در شرق و یکی هم در غرب صورت میگیرد. طوریکه از علوم امروزی پیداست سه شکستگی بزرگ در قشرزمین که مرکز زلزله های بزرگ را تشکیل میدهد کشف گردیده که یکی آن در مناطق فلپین و جاپان، دومی در مناطق پاکستان، افغانستان، ایران و عربستان و سومی در کلیفورنیا تشخیص گردیده اثرات این زلزله های مربوط به روز قیامت بالای آتش فشانهای مرکز زمین، کوه ها، ابحار و غیره در آیات متعدد و سوره های قرآن کریم که به مناسبت مقدمات روز قیامت نازل گردیده شرح داده شده است.

ر- تحولات بنیادی در آفتاب:

این تحولات از علایم دیگر نزدیکی قیامت بشمار می روند چنانچه قرآن مجید در سوره تکویر: 1 الی 5 می فرماید :

(آنگاه که خورشید در هم پیچیده شود و آنگاه که ستارگان تاریک و بی فروع شوند و آنگاه که کوه ها برفتار آیند و هنگامیکه ماده شتران آبستن را فرو گذارند و آنگاه که جانوران وحشی نمی رمند و جمع میشوند و هنگامیکه بحرها مانند آتش افروخته میشوند ....).

درین مورد آنچه از نگاه ساینس میدانیم این است که عمر آفتاب فعلا چهار و نیم بليون ( مليارد ) سال تخمين شده انفجارات هستوى که دائما در آفتاب صورت میگیرد و هایدروجن را به هليوم تبدیل میکند که در اثر آن برای مان نور و حرارت میسر میشود این وضع تا وقتی دوام دارد که تناسب هليوم نسبت به هایدروجن کمتر باشد . هنگامیکه مقدار کمتر هایدروجن باقی بماند انفجارات هستوى در قسمت داخلی آفتاب متوقف گردیده قوه جاذبه این قسمت بر هم خورده درجه حرارت آفتاب از 15 مليون درجه سانتی گراد امروزی به 100 مليون درجه ای سانتی گراد میرسد ( در اثر انفجارات هستوى در قسمت بیرونی آفتاب آن جا که هایدروجن بیشتر موجود است ) . جسم

آفتاب بزرگتر شده نخست سیاره ای مریخ را بلعیده سپس سیاره زهره یا وینوس را می بلعد و بزمین نزدیک تر شده میرود.

بحرها به غلیان می آیند و عمل کیمیا وی الکترولیز صورت میگیرد که در اثر آن مولیکول های آب به اтом های هایدروجن و آکسیجن تبدیل شده آکسیجن بنوبه ای خود باعث احتراق هایدروجن گردیده ابحار را شعله ور می سازند. سپس مقدار باقی مانده هایدروجن که در جسم آفتاب مانده به تولید فلزات ثقلیه شروع میکند که در اثر آن آفتاب متکاف و کوچکتر شده و درهم می پیچد روشنایی اش رو به خموشی رفته بالآخره به نحوه حفره سیاه Black Hole تبدیل میشود مانند ملیون ها ستاره دیگری که در کائنات Universe قبل درخشان بوده و فعلا بحالت حفره سیاه درآمده اند.

یکی از خواص حفره سیاه این است هر چیزی که در نزدیکی آن واقع باشد آنرا می بلعد. و قوع قیامت طوری که از آیات متعدد و سوره های متعدد قرآن مجید پیدا است با انقلاب عظیم کیهانی چه در زمین و چه در آفتاب و دیگر سیارات و ستاره ها همراه است. اما این زمین به زمین دیگری تبدیل میشود چنانچه از سوره ابراهیم آیه: 48 بر می آید :

(روزی که این زمین به زمین دیگری مبدل شود و نیز آسمان ها و مردم بحضور خدای یگانه بسیار غالب ظاهر شوند ).

سوره انبیاء : 104 سرنوشت جهان را چنین بیان میکند : (روزی که آسمان را مانند پیچیدن طومار کتاب درهم پیچیم به همان گونه ایکه نخستین آفرینش را آغاز کردیم آنرا بازمیگردانیم این وعده ای است بر ما و چنین میکنیم ) .

این جهانی که ما می شناسیم چون طوماری پیچانیده میشود و ختم و ظایف و ماموریت آن اعلام میگردد. خداوند که یکبار جهانی را آفرید و بار دیگر نیز میتواند جهان دیگری را خلق کند که ما در حال حاضر تصور شکل و وسعت آنرا کرده نمیتوانیم، ولی خداوند این کار را کردنی است زیرا آنرا وعده کرده است و وعده خدا حق است.

ساینس امروزی نیز در حالیکه ختم نظام شمسی را پیش بینی میکند اما به این باور است که ستاره ها و کهکشانها دائم در حال پیدایش و از بین رفتن هستند طوریکه ستاره هایکه وقت شان بسر رسیده نور خود را از دست داده به نوعی حفره ای سیاه تبدیل میشوند و در عین زمان ستاره های جدیدی تولد میشوند.

### اسلام و ساینس:

محمد عبدالسلام برنده ای جایزه نوبل که این جایزه را در برابر تحقیقات علمی خویش در مورد تعاملات الکترومگنیتیک بدست آورده پس از اظهار عقیده اسلامی خود می نویسد که او مسلمان است زیرا به پیام معنوی قرآن عقیده دارد و بحیث یک عالم ساینس احساس میکند که قرآن با او حرف میزند و او را تشویق میکند تا در مورد قوانین طبیعت و همچنین مثال هایکه از کیهان شناسی، فزیک، بیولوژی و طب در قرآن بیان گردیده تفکر کند. (5)

قرآن در 750 آیه آنانی را که ایمان دارند تشویق میکند تا طبیعت را عميقا تحت بررسی قرار داده و در راه بدست آوردن حقیقت، منطق خود را بکار برند و تحصیل علوم را یک ضرورت روزمره زندگی تلقی کنند . پیغمبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم تحصیل علم و دانش را وظیفه حتمی و ضروری هر مسلمان میداند چه مرد و چه زن . از طرف دیگر پیشرفت های علمی و انکشافات ساینس و تکنالوژی عصر جدید هیچکدام آن حقایق آیات قرآنی را نفی نکرده اند و تاریخ اسلام نیز نشان نمیدهد که شخصی بخاطر نظریات علمی خود تحت تعقیب و تعذیب قرار گرفته باشد طوریکه آقای Galile از طرف کلیسا مورد تعذیب قرار گرفت زیرا او نظریه علمی خود را در مورد گردش زمین چنین توضیح نمود که آفتاب بدور زمین نه بلکه زمین

بدور آفتاب می چرخد و بزرگان کلیسا نظر او را خلاف باییل ( باییل عیسویان ) میدانستند .

ساینس عصری پدیده ایست که قسما در اثر پیگیری کارهای علمای یونانی ذریعه ای علمای اسلامی بوجوده آمده . یکصد سال را گرفت تا علمای اسلامی معلومات متداوله را به کمک ترجمه کتب علمی یونانی و هندی به اوج آن رسانیده و سرآمد علمای جهان گردیدند و این مقام را برای سه و نیم صد سال حفظ نموده برای انکشاف علوم مختلفه مؤسسات تحقیقاتی بنام بیت الحکمه بوجود آوردند و شخصیت های بلند رتبه تشویق و کمک علوم عصری را باعث افتخار خود میدانستند .

عصر شکوفائی ساینس در اسلام در حدود سال های 1000 عیسوی بحد اعلای خود رسید زمانیکه ابن سینا بلخی ، ابن الهیتم و البيرونی زندگی میکردند . ابن الهیتم ( 965 - 1039 ) یکی از فزیک دانان نامدار عصر خویش بود چنانچه در مورد Optic کارهای بسیار مهمی انجام داده و همچنین قانون قوه جبر یا قوه سکون را کشف و توضیح داد که بعدا بحیث قانون اول حرکت نیوتن شناخته شد .

مثال دیگر البيرونی است که در حوالی ( 973 - 1048 ) در مناطقیکه بنام افغانستان امروزی شناخته میشود زندگی میکرد و کارهای علمی زیادی انجام داده و بعضی نظریات خرافاتی ارسسطو را انتقاد و اصلاح نمود چنانچه این نظریه ارسسطو را « که میگفت هر سال بتاریخ 6 جنوری تمام آبهای شور زمین شیرین میشوند و این خاصیت ثابت است » اصلاح نمود .

در مورد ارتباط کارهای علمی یونانی ها و مسلمانان گفته میتوانیم که یونانی ها مسایل را بصورت سیستماتیک ، عمومی و نظری مورد بحث قرار میدادند اما حوصله مشاهدات عمیق و دوامدار که برای تحقیقات علمی و تجربی ضرورت است در آنها سراغ نمیشد چیزیکه ما بنام علوم عصری یاد

میکنیم محصول روش های جدید تجربیات و مشاهدات و اندازه گیری های است که توسط مسلمانان به اروپا آورده شده.

متأسفانه شوق و ذوق تحقیقات علمی د رتمدن اسلام در حوالی 1110 عیسوی رو به انحطاط گذاشته پس از دو نیم قرن دیگر به سقوط مواجه گردید . دلیل اصلی آنرا هیچکس توضیح نکرده اما عوامل خارجی و داخلی هر دو دست بهم داده باعث این بد بختی جوامع بشری گردیدند . البته هجوم و تبه کاری مغل ها و نیز جنگهای خانمانسوز صلیبی ضربه ای شدیدی بر پیکر علوم و تمدن اسلامی وارد آورده اما عوامل داخلی مانند مفکره های تقليد و بسته نمودن باب اجتهاد و حرکت های فهقرائی مانند مفکوره طالبان و بعضی ملا های کم سواد به اندازه زیاد سد راه تحقیقات و پیشرفت های علمی جدید واقع گردیده است.

با وجود مساعی علمای دیگر مانند امام الغزالی که در حوالی 1100 عیسوی میزیست و میگفت که : کسانیکه با علوم ریاضیات مخالفت میکنند در حالیکه خود را دوست اسلام میدانند در حقیقت جرم بزرگی را در برابر اسلام مرتكب شده اند زیرا هیچ چیزی درین علوم وجود ندارد که مانع دریافت حقیقت اسلامی باشد .

جريان زمان مخالف پیشرفت علوم واقع گردید و 500 سال را گرفت تا جامعه ای مدنی جهان با کار های شخصیت های مانند گالیله Galile دوباره همان پختگی علمی و حوصله ای تجارب و مشاهدات و تحقیقات علمی را باز یابد.

کلید خواندن قرآن :

خواندن ، ترجمه و تفکر در قرآن در پرتو دانش و ساینس یک سنت دائمی اسلام است. مباحث مربوط به اسلام و ساینس البته طرفداران و مخالفانی هم دارد. اگر از یکطرف بعضی از طرفداران اعجاز علمی قرآن موضوع را بدرجه اغراق رسانیده از جاده اعتدال به دور رفته اند ، از جانب دیگر یک عده ای از

تفسرین سلف جزئیات بی لزوم و بعض اسرائیلیات را در تفاسیر خویش افزوده اند.

برای خواندن قرآن قبل از همه بایست از جهل دوری جست یعنی از نادانی ممزوج با خود کفایی مملو از تکبر و نخوت. خداوند در قرآن همیشه با ما به لحظه حاضر حرف میزند، لحظه ای که با دانش متحرک و در حال بزرگ شدن توأم است. ما به عصر تمدن ما بعد عصر صنعت زندگی می کنیم نسل امروز نمیتواند بخواند طوری که پیشینیان می خوانند، و عنقریب نسل دیگر نخواهد توانست بخواند آنچنان که ما میخوanim همه چیزها در ارتباط اند منتها سرعت حرکت شان روز افزون است.

علوم و ساینس‌های متعددی ضرورت است تا کلید خواندن قرآن را تشکیل دهند. بنابران فرزندان اسلام امروز به یک مکتب قرآنی عصری و اساسی ضرورت دارند که در آن تمام علوم جایگاه‌های داشته باشند، تفسیر قرآن بعد از این از صلاحیت و اهلیت یک فرد بالاتر است و شامل یک گروپ از علماء باید باشد زیرا شعبات مختلفه علوم با سرعت عجیبی در حال انکشاف بوده از تمام آنها بایست استفاده نمود و این امر از عهده یکنفر فراتر است. این به معنی آن نیست که از تفاسیر سلف صالح کار گرفته نشود البته هر کدام بنوبه ای خود دارای اهمیت بوده و جایگاه خود را دارد.

وقتی خداوند جل جلاله در اولین آیت قرآن به پیغمبر آخر الزمان وحی میفرستد که: (بخوان) و این خطاب به همه پیروان آنحضرت تطبیق میشود. به این معنی که بخوان با استفاده از تمام علومی که در دسترس بشر بوده و بلا وقهه در انکشاف است، نه اینکه بخوان با مغز خالی و یا با معلومات علمی ایکه وقت و زمان آن گذشته.

قرآن کتاب ساینس نیست اما امر میکند به خواندن و یاد گرفتن با استفاده از قلم و تمام وسایل آموزش چنانکه خداوند بوسیله قلم آموخت به انسان آنچه را

انسان نمیدانست ( سوره علق : 5 ) . در سوره الرحمن : 1 الى 4 علم قبل از خلق انسان تذکار داده شده که ترجمه آن این طور است :

( خداوند است که قرآن را تعلیم داد ، انسان را آفرید و سخن گفتن و بیان آنچه را در دل دارد به او آموخت ) . انسان خلیفه خداست در روی زمین و وظیفه دارد در انکشاف و تکامل همه پدیده های مادی و معنوی سهم مثبت و فعال داشته باشد تا از این انکشافات در راه بهبود زندگی مادی و معنوی بشریت استفاده بعمل آید .

قرآن جنبه های مختلف تحقیقات علمی را تشویق میکند . طور مثال آیه 33 سوره الرحمن بیان میدارد که : ( ای گروه جن و انس . اگر میتوانید از کرانه های آسمان و زمین بگذرید ، پس بگذرید ولی هرگز نمیتوانید مگر به نیرو ) . این نیرو نیروی علم است که خداوند استعداد آنرا بشما ارزانی داشته و شما بایست آنرا فرا گیرید و انکشاف دهید و بكمک آن به اقطار فضا و اعماق زمین سیر و سیاحت کنید چه شخصا و چه با ارسال وسایل مانند سفینه های اکتشافی بدون سر نشین . این اشاره ایست به تحقیقات و انکشافات استرونومی و نیز تعمق در اعماق ابحار .

در مورد کسانیکه به کشف اسرار حیات منهک اند مثال برجسته ای آن حضرت ابراهیم عليه السلام است که سمبلوں تسلیم بلا شرط به خالق عالم شمرده میشود و برای تسکین قلب و خاطر خود از خداوند ( ج ) در خواست نمود که شکل حیات و حیات دوباره را بوی نشان دهد جواب خداوند منفی نبود . در ( سوره بقره 260 ) می خوانیم که خداوند سبحانه و تعالی این آرزوی او را برآورده ساخت و عملا احیای بعد از موت را بوی نشان داد . این جواب مثبت خداوند ( ج ) در برابر درخواست حضرت ابراهیم عليه السلام تنها به ابراهیم عليه السلام نه بلکه برای تمام بشریت که آرزوی کشف اسرار زندگی را دارند تلقی میشود ، آرزوئیکه منشاء آن اراده خداوند ( ج ) است .

همچنین مردم مکه و یهودیان مدینه از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در مورد روح سؤال کردند. خداوند در (سوره بنی اسرائیل : 85) در جواب شان فرمود: ( بگو روح از حکم پروردگار من است و از علم داده نشده اید مگر اندکی ). کلمه روح را جمهور علماء به آنچه حیات میبخشد ترجمه کرده اند اما عبد الله یوسف علی و بعضی از مفسرین دیگر آنرا به وحی ترجمه کرده اند. درین مورد قرآن نیز جواب منفی نمیدهد و نیز به توضیحات مفصل و یا ابراز کدام نظریه یا تیوری Theory نمی پردازد ، بلکه راه برای آموزش و اکشافات و تحقیقات علمی را به اساس بخوان و با قلم بیاموز باز میگذارد. ابن عاشور ( 1973 ) می نویسد که اکثر علماء و فقهاء مانند ابوبکر العربی ( 1144 ) و النووی ( 1277 ) باین نظریه اند که آیه متذکره فوق ساینس دانان را مانع نمیشود از اینکه در مورد روح به تحقیقات علمی بپردازند . امام فخرالدین محمد رازی متوفی در 606 هجری در تفسیر کبیر خویش درین مورد بحث مفصلی دارد.

در آیه 28 سوره فاطر چنین می خوانیم : ( ... همانا بندگان دانشمند از خدا می ترسند .... ) این ترس توأم با تعظیم و با فهم و ادراک قدرت خداوند است. علماء میدانند که ترس خدا آغاز حکمت است زیرا چنین ترس قدر دانی و عشق است. قدر دانی از تمام زیبائی های جهان مادی و معنوی.

آفرینش جهان ( یونیورس ) مفهومی و حکمتی دارد و بیهوده آفریده نشده چنانچه در سوره المؤمنون: 115 می خوانیم: ( و پس آیا پنداشتید که شمارا بیهوده آفریده ایم و شما نزد ما باز گردانیده نمیشوید ؟ ). اینکه جهان بحق آفریده شده بیهوده نیست دوازده مرتبه در قرآن تذکر رفته. در سوره الروم: 8 می خوانیم: ( آیا بخود نمی اندیشید که خداوند آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست نیافریده مگر به حق و برای دوره معینی و بیگمان بسیاری از مردم از دیدار پروردگار خویش در آخرت منکراند ) .

طوریکه از آیه‌ای فوق الذکر بر می‌آید جهان برای یک زمان معین و محدود آفریده شده ختم زندگی انسان در روی زمین ختم موجودیت زمین و تمام سیستمی را که شرایط بوجود آمدن انسان را میسر ساخته است نیز باعث میشود چنانچه در سوره انبیاء: 103 و 104 به ارتباط بندگان برگزیده خداوند می‌خوانیم که : ( دهشت بزرگ یعنی محاسبه اعمال ایشان را غمگین نمی‌سازد و فرشتگان ایشان را استقبال کرده « برای ایشان می‌گویند : » این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود ، روزیکه آسمانها را مانند پیچیدن طومار کتاب درهم پیچیم به همانگونه ایکه نخستین آفرینش را آغاز کردیم آنرا باز میگردانیم این وعده‌ای ایست بر ما و چنین میکنیم ) .

انسان بحیث خلیفه خدا بر روی زمین:  
بر گردیم بوظیفه اصلی انسان . انسانیکه اشرف مخلوقات است، انسانیکه خلیفه ای خدا در روی زمین است، انسانیکه هم مادی و هم معنوی و هم روحانی است، انسانیکه روح خداوند بصورت کل در ابتدای خلقت در بدن آدم علیه السلام و نیز بصورت انفرادی در تاریکی‌های رحم مادر در بدن وی دمیده شده، انسانیکه پروردگار عالم از رگ گردن وی به او نزدیک تر است، چه وظایفی را باید انجام دهد.

او بایست خالق خود را بشناسد ، با ذات و صفات و مخلوقات او معرفت حاصل نموده او را آنچنانکه شایسته است عبادت کند . مفاهیم قرآن را بداند، با قلم و دیگر وسایلیکه مانند قلم و کمپیوتربه ثبت و نشر ارتباط دارد تعلیم و تعلم نماید . در آیات قرآن تعقل، تعمق و تفکر نماید و مفاهیم آنرا در تکامل نظام طبیعت که دقیقاً پلان و پروگرام شده تطبیق نماید تا بدینوسیله پیمان « اللست بربکم» را بیاد داشته و همچنان از مسئولیت بار امانتی که آسمان و زمین و کوه‌ها از قبول آن معدتر خواستند و انسان آنرا قبول نمود یعنی با اراده آزاد و به فرمانبرداری خداوند تن در داده و رضای پروردگار خویش را

حاصل نماید . (احزاب : 72) . خداوند عزوجل انسان را خلیفه خود در زمین مقرر نمود چنانچه به فرشتگان فرمود : ( بیاد آور که چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در روی زمین خلیفه بی را می آفرینم ، سوره بقره : 30) .

خداوند جل جلاله خواست انسان را بیافریند و دستش را آزاد بگذارد تا خواست پروردگار را در ایجاد ، آفرینش تحلیل ، ترکیب ، تغیر و تبدیل ، کشف نیروها و توانها و دست آموزکردن همه آنها به اجازه پروردگار تبارز دهد که همه این امور در خلافتی که خداوند برای انسان سپرده تعییه شده است .

خداوند برای انسان توان و قدرت های پوشیده و استعداد های ذخیره شده ای داده است که برای انجام آنچه در زمین از نیروها و توانها تعییه شده است کافی پنداشته میشود و برای این موجود نوین نیرو های پنهانی عنایت کرده است که بتواند خواست خدا را محقق گرداند . (29) . بادامه داستان خلقت آدم فرشتگان گفتند که: (آیا کسی را در آن قرار میدهی که به فساد دست زند و خون ها بریزد ؟ در حالیکه ما ترا به پاکی ستایش میکنیم و ترا تقدیس می نماییم ) خداوند فرمود : ( بدرستیکه من میدانم آنچه را شما نمیدانید خداوند برای آدم علیه السلام اسمای اشیاء را آموخت سپس این چیز ها را به فرشتگان پیش کرد و گفت : اگر راست گوی هستید نام این چیز ها را بمن بگوئید . فرشتگان عرض کردند : پاک و بی عیبی ، ما نمیدانیم مگر آنچه را تو بما آموختی . بدرستی که تو دنای با حکمت هستی «آنگاه خداوند گفت» ای آدم فرشتگان را به نام های این اشیاء آگاه ساز . چون ایشان را بنام های این چیز ها آگاه ساخت ، « خداوند گفت » : آیا بشما نگفته بودم به تحقیق به چیز های نهانی آسمانها و زمین آگاهم و آنچه را شما آشکارا می سازید و یا پنهان میکنید همه را میدانم . و بیاد آر که چون به فرشتگان گفتیم : به آدم سجده کنید پس همه سجده کردند ) .

آری ! به او راز معرفت موهبت شده است به همان گونه ایکه به او راز اراده آزاد ، موهبت شده است . اراده ایکه با آن راه خویش را بر گزیند . این توانایی و دستیابی او به امانت راه یابی بسوی خدا به اثر اهتمام بخصوص او همه اینها گوشه ای از اسرار کرامت او را تشکیل میدهد . باین ترتیب همه فرشتگان سجده کردند ( به جز ابلیس که سرباز زد و تکبر ورزید و او از کافران بود ) . و گفتیم ( ای آدم تو با همسرت در بهشت سکنا پذیر شوید و از نعمت های آن از هر جا میخواهید بسیری بخورید ، مگر باین درخت نزدیک نشوید که از ستمگاران خواهید شد . ).

شاید این رمزی بوده برای امتحان ، شکیباتی انسان در وفا به عهد و رعایت شرط و اراده آزاد ( پس شیطان ایشان را با خوردن از آن درخت از آنجا لغزاند و ایشان را از آن نعمت های که در آن بودند بیرون کرد « در این هنگام » به ایشان گفتیم : از بهشت فرود آئید در حالیکه بعضی شما با بعضی دیگر دشمن هستید و برای شما در زمین قرار گاهی و بهره مندی است تا بسر رسیدن وقت شما ) . بعده آدم علیه السلام که عهد خویش را فراموش کرده بود در برابر گمراهی ناتوان گردیده بود از لغتشی که در نهادش تعییه شده بود نجات یافت و رحمت پروردگارش او را دریافت .

( سپس آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت . آنگاه خداوند توبه او را پذیرفت به تحقیق که خداوند هم اوست توبه پذیری مهربان ) . گفتیم ( همه ای شما از آن فرود آئید هر گاه از جانب من هدایتی بشما بیاید ، کسانیکه هدایتم را پیروی کنند برای ایشان ترسی نیست و نه هم ایشان اندوهگین میشوند و آنها که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند هم آنها یند دوزخی ، ایشان همیشه در آنجا خواهند بود بقره : 30 الی 39 ).

بنی آدم را خداوند بحیث اشرف مخلوقات خلق نمود چنانچه در سوره اسراء : 70 می فرماید : ( ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم . ما آنها را با مرکب های مختلفی که در اختیار شان قراردادیم در خشکی و در دریا حمل کردیم . و آنها

را از طیبات روزی دادیم و آنها را از بسیاری از مخلوقات خود فضیلت و برتری دادیم .) و خداوند (ج) در سوره والتین: 4 و 5 میفرماید : (به تحقیق انسان را در نیکو ترین قوام و صورت آفریدیم . سپس او را به پست ترین مرحله بر میگردانیم ) .

وقتی برای بنی آدم چنین مقام و سیادتی موهبت گردید ، بایست نقشی را نیز در روی زمین ایفا کند که شایسته مقام او باشد زیرا اوست که جهت یابی ها و آمد و شد های را که بروی زمین صورت میگیرد رهبری میکند . خلافت انسان در روی زمین به امور مختلفی از قبیل آسمانها ، باد ها ، باران ها خورشید و ستاره ها نیز ارتباط می گیرد که همه این امور ادامه زندگی را در زمین برای بشر میسر ساخته است . خداوند کائنات و انسان ها و دیگر مخلوقات را بیهوده نیافریده ، در عقب هر چیز حکمتی وجود دارد . لیکن نگاه کوتاه بین انسان برخی از حکمت های اسرار آمیز و عمیق را کشف کرده نمیتواند ( و بسا که از چیزی احساس ناخوش آیندی کنید حالانکه آن برای شما خیر باشد و بسا که از چیزی احساس خوش آیندی کنید و حال آنکه آن برای شما بد باشد ، خداوند میداند و شما نمی دانید . بقره: 216 .).

### هدف از خلق انسان:

غرض از خلق اجنہ (جن) و انس (انسان) چنانچه که قرآن میفرماید : ( خلق نکردیم اجنہ - جن ها - و انسان را مگر اینکه مرا بشناسند و عبادت کنند . الذاریات: 56 ).

عباره ای دیگر مقصد ازآفرینش جن و انس عبارت است از معرفت شان به موجودیت خداوند ، و لهذا حاضر شدن شان بکمال رغبت به اینکه موجودیت خود را مطابقت دهند به آنچه از اراده و پلان خداوند درک میکنند و این مفهوم دوگانه یعنی معرفت و حاضر شدن با کمال رغبت است که عمیقترین معنی را افاده میکند که قرآن در مورد عبادت توضیح داده ( 25 ) . هدف خلق

کائنات به شمول انسان را به این ترتیب نیز میتوان تلقی نمود که خداوند درین مورد برای تمام مخلوقات چانس اعطای نموده تا استعداد های خود را با استفاده از قوانین طبیعت که خداوند وضع نموده تکامل دهند . در مورد انسان موضوع هدایت خداوندی فکر و فهم خود انسان مورد بحث است . مخلوقات دارای منطق ، موجودیت خداوند را با استفاده از فکر و دانش خود قبول دارند بطوریکه خداوند را بحیث معبد مطلق و عالی ترین مقام یعنی خدای واحد شایسته عبادت میدانند . در حالیکه خداوند خودش احتیاجی به عبادت ندارد زیرا ذات او بی نیاز است خداوند (ج ) مبداء و مرکز همه قوا و همه خوبی ها بوده پیشرفت تمدن ما انسانها مربوط است به اینکه ما خود را با اراده خداوند (ج ) هم آهنگ سازیم .

این است معنی و هدف عبادت او ، هر گونه قوه و انرژی را که میخواهیم بایست از جانب خداوند باشد ، نعمات خداوندی درین دنیا هم به کسانیکه ایمان دارند و نیز به آنانیکه ایمان ندارند اعطای میگردد . ( بنی اسرائیل: 20 ) . روشی را که خداوند برای بشر تعیین کرده با دست آوردهای علمی بشر منافات ندارد ، بلکه حقیقت امر این است که همین روش است که باعث پیشرفت علوم و صنعت شده و بشر را به حقایق پیشرفت علوم و کشف حقایق متوجه کرده است برای اینکه انسان از این راه بتواند خلافت زمین را ایفا کند ، این مقام والائی را که خداوند بوی ارزانی داشته و او را بر آن قادر ساخته و برایش استعداد های پوشیده را مهیا و از جانبی هم قوانین طبیعی جهان را فرمان بردار او ساخته تا بر تحقق این آرمان یار و مددگار او شود و بین آفرینش او و آفرینش کائنات نظم و نسق را برقرار کرده است تا بر زندگی ، کار و ایجاد قبضه کند . علاوه بر آن اختراع بذات خود نوعی از عبادت بحساب میروند و وسیله ایست برای شکر نعمت ها و الطاف بی پایان الهی و این شرطی است از شروط عقد خلافت که باید خلیفه در دایره ای رضای خدا کار کند و از خود تحرک نشان دهد . ( 29 ) .

جوانان مسلمان بحیث خلیفه خداوند در زمین بایست نقش پر معنی و با مفهوم در همه سطوح حیات اجتماعی ایفا کنند مانند موارد مختلفه انکشاپ مسایل جامعه مثل پروگرام های انکشاپی در مورد اقتصاد سیاست، دموکراسی، تعلیم و تربیه، کلتور، مسایل زراعتی، تغذی، قحطی و گرسنگی، محیط زیست، ساینس و تکنالوژی، تفاهم بین المللی و غیره.

برای موفقیت درین امور فهم و دانش و تکنالوژی و استعداد کافی از ضروریات بشمار می رود. قرآن کریم در آیه 110 سوره آل عمران خطاب به مسلمانان می فرماید: (شما بهترین امتی هستید که «برای خیر» مردم بیرون آورده شده «بوجود آمده است». به «کار پسندیده» امر و از «کار» نا پسندیده منع می نمایید و به خداوند ایمان دارید ...).

نتیجه ای منطقی که باید از تاریخ تکامل دین گرفته شود این است که بشریت باید صاحب دینی باشد قادر تفرقه جوئی، تبعیض نژادی تعصب و مصوّون از تصرفات بشری. و دین جهان شمول اسلام طوری که از نام و محتويات آن پیدا است، چنین دینی میباشد.

زیرا اسلام از پیروان خود متلاطفی آن است که تنها به خداوند تسلیم شوند. این حقیقت وقتی در عمل تجلی میکند که پیروان اسلام به نقاط ذیل تمسک کامل داشته باشند:

- 1- بخداوند (ج) ایمان داشته باشند.
  - 2- راستکار باشند و در راستکاری خود مثالی برای دیگران شوند و صاحب چنان قدرتی باشند که بتوانند بحیث یک نمونه ای کامل، حق را تبارز دهند.
  - 3- از کار های ناشایسته خود داری ورزند و درین امر مثالی برای دیگران شوند و این قدرت را داشته باشند که باطل و بی عدالتی را مض محل سازند و بزدایند بنابر آن اسلام دینی است برای همه جهانیان. (4).
- عبدات مفهوم وسیعتری دارد و تنها با اجرای اركان اسلام و پنج بنای مسلمانی تکمیل نمیشود. هر امری که اجرای آن در دایره اراده خدا و موجب

رضای او شود عبادت گفته میشود . باین ترتیب تأمین نفقه فامیل ، خدمت والدین، تربیه صحیح اولاد ، خیر رسانی به مردم، ترحم به حیوانات، احترام و حفاظت محیط زیست از تخریب و آسودگی ها ، اهتمام به پیشرفت ساینس و تکنالوژی در راه خیر بشریت، کسب علم و معرفت، اهتمام به امور صحی، نظافت، نکاح شرعی، محبت با فامیل و دوری از اعمال نا جایز که موجب نا رضایتی پروردگار گردد همه و همه عبادت گفته میشود .

اما باید دانست که هدف اصلی، آمادگی برای آخرت و زندگی جاویدان است و انسان در این جهان وظیفه دارد تا برای رسیدن به هدف اصلی که جهان ابدی است خود را در هم آهنگی با تکامل قوای طبیعت تکامل دهد تا موجبات رضای پروردگار خویش را بدست آورده بلقای او موفق گردد . این است معنی عبادت بصورت عام آن .

در یکی از فیلم هایی که درین اوآخر بنام محمد صلی الله علیه وسلم بشکل ویدیو ساخته شده یک کارگر اطفائیه شهر نیویارک را نشان میدهد که از او پرسیده میشود چه چیز باعث آن شد که این وظیفه را انتخاب کند . نامبرده جواب میدهد که : پدرم امریکائی الأصل و مادرم یهود بود ، من به دین اسلام مشرف شدم و با این آیه قرآن کریم آشنا شدم که نجات دادن یک انسان مانند آنست که گویا همه انسانهای روی زمین را نجات داده ای برای اینکه بتوانم زندگی خود را با مفهوم این آیه قرآن مجید هم آهنگ سازم به خدمت اطفائیه داخل شدم این است یک مثال اجرای وظیفه روزمره که عبادت شمرده میشود چون برای رضای پروردگار اجرا میشود .

رویه هر امریکه از دائره حرام و مکروه خارج شده بطرف مباح (که ساحه آن خیلی وسیع است ) و حلال، مستحب و سنت و واجب و فرض نزدیک تر شود و با ارشادات قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم موافق باشد عبادت گفته میشود .

## مقایسه تورات و انجیل با قرآن:

گرچه تورات و انجیل اصلی طوریکه به حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام نازل گردیده بود کتب مقدس الهی و برای هدایت بشر بوده و ما به آن عقیده داریم اما این کتب امروز از بین رفته در دست نیست و به عوض آنها مطالبی از طرف اشخاص مختلف در طول زمان نوشته شده که با کتب اصلی مغایرت دارد زیرا منبع کتب اولی وحی الهی بود و منبع کتب موجوده نوشته های بشر است.

این کتب بنام عهد عتیق (عهد قدیم) و عهد جدید (انجیل) یاد میشوند. بایبل یهود و بایبل عیسوی ها در اجزای خود با هم تفاوت هائی دارند. تورات اصلی باید بزبان عبرانی بوده باشد اما امروز کدام نسخه ای عهد قدیم یا عهد عتیق که به یقین کامل پیش از سال 916 میلادی رایج بوده باشد در دسترس نیست. اکثر علمای یهود از زبان یونانی، آرامیک و لاتین استفاده میکردند. اسفار (جمع سفر) پنجگانه بایبل خود یک قسمت کوچک تورات میباشد. گفته میشود که بایبل توسط هفتاد نفر علمای یهود نوشته شده مگر همه ای آنها در یک وقت آنرا ننوشتند و شروع آن در سال 284 قبل از میلاد صورت گرفته. به هر حال در طول زمان مطالب جدیدی به آن افزوده و بعضی مطالب آن کشیده شده است. نسخه فعلی قابل قبول کلیساي رومن کاتولیک توسط پاپ کلمانت (1592 - 1605 میلادی) ثبت گردیده. تلمود کتاب دیگر یهودی هاست که عبارت است از مجموعه توضیحات شفاهی.

انجیلی که امروز در دسترس است عبارت است از:

الف: چهار انجیل (متی، لوقا، مرقس و یوحنا) و بعضی آثار دیگر.

ب: اعمال رسولان که ممکن توسط لوقا نوشته شده در باره اکشافات کلیساي مسیح در تحت اداره پطرس و پولس از تاریخ آنچه بنام بدار آویختن عیسی علیه السلام خوانده شده تا تقریبا 61 میلادی توضیحاتی ارائه گردیده

ج: رساله های 21 گانه که قسمت بیشتر آن توسط پولس نوشته شده است.  
د: مکاشفه ایکه توسط یو حنا بر شته تحریر در آورده شده غیر. از این چهار  
انجیل که هر کدام حیثیت یک کتاب مستقلی را دارد انجیل های متعدد  
دیگری نیز وجود دارد.

آیا این چهار انجیل بکدام تاریخ نوشته شده است : این ها در پایان قرن دوم  
میلادی در دوران بودند ، علاوه تا نویسنده دو انجیل ( متی و لوقا ) در زمرة  
دوازده تن از حواریون حضرت عیسیٰ علیه السلام نبودند . اینکه آیا انجیل  
یو حنا را چه کسی یا چه کسانی نوشته اند مطرح سؤال است . رساله برنابای  
رسول از طرف یکی از اسقف های اسکندریه بنام کلمنت در سال 180 میلادی  
برسمیت شناخته شد .

انجیلی که امروز در غرب مروج است بشکل آخرین خود در قرن چهارم میلادی  
تقریبا سال 367 توسط آتناسیوس تثبیت شد .

به هر حال چون تورات و انجیل رایج بین یهودیان و عیسویان تحریف شده  
است از این رو عین همان کتبی نیست که از طرف خداوند ( ج ) نازل شده است  
و هم چون معلوم نیست که کدام قسمت از آن باقی مانده ، نمی توانیم تمام این  
دو کتاب را رد کنیم ولی به هر صورت این کتب در اسلام منسخ میباشد . ( 4 )

طوریکه ملاحظه شد مطالب محتوی بایبل و انجیل ( انجیل ها ) مروج امروزه  
توسط بشر نوشته شده لذا با واقعیت های علمی امروز موافق ندارد و با  
مطالب قرآن مجید قطعاً قابل مقایسه نیست . زیرا قرآن در ظرف 23 سال به  
حضرت محمد صلی الله علیه وسلم وحی گردیده و یکتعداد مسلمانان آنرا  
حفظ کرده و در عین زمان در وقت زندگی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم  
بر شته تحریر در آورده شده و آخرین مرحله جمع آوری آیات قرآن در یک  
مصحف در وقت خلیفه سوم حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنہ در سال 25  
هجری صورت گرفته است .

این کار یعنی جمع آوری قرآن کریم تحت نظر و بررسی و بازبینی کسانی به انجام رسیده است که متن کتاب را از همان زمان وحی در حفظ داشته و مرتب تلاوت میکردند. از زمانی هم که قرآن بمرحله تدوین نهائی رسیده تا کنون این متن بدقت محفوظ مانده و کوچکترین مشکل را از لحاظ اصالت مطرح نکرده است.

نه تنها وحی قرآنی حاوی تناقض های نیست که روایات انجیل در نتیجه ای دخالت افراد انسانی، با آنها دست به گریبان اند بلکه اگر کسی با عینیت و در پرتو علم به مطالعه قرآن پردازد بخصوصیت دیگری که ویژه این کتاب است بر میخورد مثل هم آهنگی کامل قرآن با معلومات علمی جدید (علاوه برین در قرآن نکات و مطالب علمی دیده میشود، نکات و مطالبی که نمیتوان بیان کننده آنرا آدمیزاد متعلق به عهد پیغمبر اسلام دانست) . در واقع معارف علمی جدید اند که به فهم برخی از آیات قرآنی که (تا کنون غیر قابل تفسیر مانده بودند) یاری میکنند.

مقایسه بسیاری از روایات عهد قدیم با مطالب قرآن نیز گزارشگر وجود یک اختلاف اساسی میان عهد قدیم و قرآن است. درین مقایسه دیده میشود که تاکیدات عهد قدیم از لحاظ علمی نا مقبولند.

و بر عکس مطالب قرآن با معلومات جدید هم آهنگی کامل دارند. (6)

وجود اختلاف اساسی میان مطالب قرآن و روایات عهد قدیم نیز این اظهار نظر بی دلیل و بی پایه را رد میکند که میگویند : پیغمبر اسلام در تدوین قرآن به عهد قدیم نظر داشته و از روی آن استنتاج کرده است.

با توجه به وضع اطلاعات زمان پیغمبر اسلام و با عنایت به وجه علمی بسیاری از مطالب قرآن، این امر که قرآن اثر انسان باشد، قابل تصور نیست. بدین ترتیب نه فقط حق است که قرآن را بیان و وحی الهی بدانیم، بلکه جا و مقامی خاص و ممتاز بر آن قایل باشیم زیرا اصالت قرآن امری مسلم است و برای مطالب علمی موجود در آن نمیتوان مبداء بشری یافت و ازین طریق تبیینش

کرد . در سوره نجم آیه 4 و 5 می خوانیم که : ( نیست این « قرآن » جزو حی که باو « فرستاده می شود « وجود » نیرومندی به او آموخت ) . ( 31 ) . یعنی حضرت جبریل علیه السلام .

مأخذ :

- 1- علی شریعتی : کتاب عقیده ، چاپخانه فارس ، ایران 1356 شمسی .
- 2- محمد تقی شریعتی : تفسیر نوین ، پاره سیم ، چاپ هفتم 1374 شمسی ، تهران . صفحات چهل و دو الی هفتاد .
- 3- محمد تلبی ( پروفیسور ) و موریس بیوکای ( دوکتور ) : تفکر بالای قرآن ( به زبان فرانسوی ) 1989 م .
- 4- عبدالله یوسف علی : ترجمه و تفسیر قرآن مجید ( به انگلیسی ) 1934 . ترجمه فارسی دری ، استاد مرحوم صباح الدین کشککی مدقق محمد صدیق راشد سلجوقی .
- 5- این واقعیت است : انتشارات إقراء ( به فرانسوی ) پاریس 1955 .

- 6- موریس بیوکای ( دوکتور ) : بایبل ، قرآن و ساینس ( ترجمه انگلیسی ) 1979م.
- 7- احمد دیدات: القرآن ( معجزه معجزات ) به ( انگلیسی ) .
- 8- انسیکلوپیدیا : امریکائی 1994م.
- 9- معجم عبد النور: قاموس عربی به فرانسوی، طبع اول بیروت 1983م.
- 10- استرونومی : Harpar and Row Publishers
- 11- Kelvin : درجه ای حرارت به سانتی گراد که صفر آن از 15. 273- شروع میشود .
- 12- Zahir M . Ahmad : Quran and Space Science
- 13- خالد صنادیقی (دکتر) Quran and the Cosmos .
- 14- صلاح الدین سلجوqi: تجلی خدا در آفاق و انفس، کابل 1345 شمسی.
- 15- مناع القطن ( فقیه مصری و استاد پوهنتون امام ابن سعود ، ریاض، عربستان سعودی ) : تحقیقات در علم قرآن، ترجمه بزبان فارسی توسط محمد حنفی حنفی بلخی، پشاور 1376 شمسی.
- 16- محمد علی البار (دکتر) : تکامل انسان، طوریکه در قرآن و حدیث و حی و بیان گردیده ( آفرینش انسان بین طب و قرآن ) جده 1996م.
- 17- ابن حیر الطبری: جامع البيان فی تفسیر القرآن.
- 18- ابن کثیر: تفسیر ( القرآن عظیم ) ترجمه بزبان فرانسوی.
- 19- ابن القیم : التبیان فی اقسام القرآن.
- 20- Keith More : Developmental Human 1982م.
- 21- Leslie Arey : Developmental Anatomy 1974م
- 22- Hamilton , Boyd and Mossman : The Human Embryology 1975م.
- 23- فخر رازی: تفسیر کبیر، دارالکتب العلمیه، تهران.
- 24- انسکلوپیدیا بریتانیکا ، 2003م.

- 25- محمد اسد : The Massage of the Quran
- 26- فتحی عثمان (دکتر) . Concepts of the Quran
- 27- کشاورز ( دکتور محمد ناصر عمر ) : آفرینش کائنات از نگاه قرآن و از نظر ساینس، مجله پیام توحید ، سپتامبر 1995 م.
- 28- محمد طاهر معیری: جهان بزرگ و آنچه در آنست، تهران 1368 ش.
- 29 - سید قطب : درسایه های قرآن ، ترجمه محمد صدیق راشد سلجوچی 1367 ش جلد اول.
- 30- منیر القسیم ( داکتر ) : قرآن، ساینس و روز آخرین، اکادمی نورالاسلام سال 1998 میلادی، فلوریدا ( انگلیسی ).
- 31 - محمد نادر عمر ( پوهاند ، داکتر ) بیبل ، قرآن و سیانس ، اقتباس از کتاب موریس بیوکای و ترجمه حسن حبیبی 1384 ش ، انتشارات بامیان ، فرانسه.
- 32- محمد یاسین نسیمی: شناخت انسان از دیدگاه قرآن 2000 م
- 33- ابن حجر العسقلانی: فتح الباری، شرح صحیح البخاری.
- Dr . Mazhar - U - Kazi : 130 Evident Miracles in the Quran ( New York , U . S . A : CRESCENT PUBLISHING House 1998 ).
- Priscilla Frisch : The Galactic Environment of the sun , - 35 American Scientist , Jan -- feb 2000.
- Michael J . Denton : Nature and Destiny (The Free Press 1988 )
- 37- استاد عبدالستار سیرت (پروفیسر، داکتر) : دروس تلویزیونی 2005 م.

## مؤلف کتاب

دکتور محمد ناصر عمر کشاورز در سال 1925 در یک خانواده متدين و علم پرور در شهر کابل متولد شده و پس از ختم دوره متوسطه از لیسه استقلال جهت تحصیلات عالی به فرانسه اعزام و در آنجا دیپلم انجینیری زراعت را از یونیورستی نانسی درجه داکتری دولتی فرانسه را از « سور بون » یونیورستی پاریس در رشته ساینس دریافت نموده باطن بازگشت.

دکتور کشاورز بعد از خدمات اکادمیک و علمی، در دوره انتقال، در کابینه دکتور محمد یوسف خان بحیث وزیر زراعت ایفای وظیفه نموده بعده بحیث والی فراه، بلخ و پروان و همچنین بحیث رئیس عمومی انکشاف وادی تنگرها وادی هلمند و ارغنداب اجرای وظیفه نمود.

موصوف در سال 1978 به امریکا مهاجرت نمود و در کریتون یونیورستی ایالت نبراسکا به تحقیقات علمی بالای امراض میتابولیک استخوان و بعدا در جنوب کلیفورنیا به تحقیقات علمی روی امراض استخوان و تشخیص بعضی انواع سرطان پرداخت. نامبرده در سال های اخیر، وقت خویش را وقف خدمت به اسلام و مسلمانان نموده به امور اداری و علمی مرکز ثقافت اسلامی افغانهای ساندیگو و تأسیس یک کتابخانه در آنجا پرداخت.

دکتور کشاورز تحقیقات متعددی در موضوعات زراعت، قره قل امراض استخوان و همچنان در مسائل علمی اسلامی بجا گذاشته که اعجاز علمی قرآن آخرین اثر تحقیقی جناب شان می باشد. آثار متذکره به زبانهای دری، فرانسوی و انگلیسی به طبع رسیده است.

اعجاز علمی قرآن  
تألیف  
دکتور محمد ناصر عمر کشاورز

اعجاز علمی قرآن  
تألیف  
دکتور محمد ناصر عمر کشاورز

## الف

### فهرست موضوعات

	صفحه		موضوع
1	1		مقدمه فقه اسلامی
	5	2	حرف عاجز در برابر اعجاز
8	6		پیشگفتار
23	9		مقدمه مؤلف
36	24		آفرینش کائنات
43	37		منشاء حیات
	44	43	عوامل تشکیل دهنده شیر حیوانی
60	44		آمبریولوژی
62	61		پوست بدن انسان و احساس درد
	64	62	پیشبینی معجزه آسای آب و هوای سرزمین عربستان
64	64		در مورد آفرینش کائنات
66	65		حرکت آفتاب، زمین و مهتاب
68	66		سرعت نور
71	68		کرویت و حرکت زمین
72	71		اختلاط آب شور و آب شرین
75	73		کوه ها بحیث میخ زمین

ب

صفحه	موضوع
80 79	نشان انگشت
81 80	پائین ترین نقطه روی زمین
83 81	ماجری غرق شدن فرعون
90 83	عالیم نزدیک شدن قیامت
93 90	اسلام و سیانس
97 93	کلید خواندن قرآن کریم
102 98	انسان خلیفه خدا ببروی زمین
106 102	هدف از خلقت انسان
110 106	مقایسه تورات و انجیل با قرآن
113 111	ماخذ

اسم کتاب : اعجاز علمی قرآن.  
مؤلف کتاب : دکتور محمد ناصر عمر کشاورز.  
تعداد چاپ : 500 نسخه.  
مکان طبع کتاب : ساندیگو، کلیفورنیا، امریکا  
تاریخ طبع : اپریل 2006 میلادی.  
تاپ : فضل غنی مجددی.  
دیزاین جلد کتاب : عبدالله مینه یار.

